پژوهش

سال دوم، حمل ۱۳۹۵

ما با آموختن از بهار
بهار آمده اینک، برخیز!
سالی که گذشت – گپی به مناسبت سال نو
بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
لطف بهار
عزت سرخ
نیست شوقی که زبان باز کنم از چه بخوانم
بررسی اجمالی قرن نوزدهم و تاریخچهٔ ۸ مارچ
تحلیل و تعریف محیط زیست
محیط زیست سالم و تأثیرات اقتصادی آن
تعریف مختصر اصطلاحات GNP و GDP
نیکویی را نیکو داشته باشیم
به دست خود درختی می‌نشانم
چرا درختان؟
آهای نزن، در این میدان مهر جاریست!
قلب قوی‌تر می‌تواند مغز شما را جوان نگه دارد
مطلبی تحقیقی از پوهنتون هاروارد امریکا
آگاهی از بهداشت دهان و دندان: پوسیدگی
آلودگی هوا
عکس بدون شرح



ARG
Academic Research Group
گروه تحقیقات آکادمیک
Social Sciences
Medical Sciences
Natural Sciences
And so on

همکاران این شماره:

۱. یما حمید	محصل اقتصاد
۲. سید رفیع حسینی	محصل اقتصاد
۳. سید متین حسینی	محصل اقتصاد
۴. الیاس عادل	محصل اقتصاد
۵. یگانه حمید	محصل طب دندان
۶. لیدا خروش	فارغ التحصیل از نرسنگ عالی

دعوت به همکاری

۱. گروه تحقیقات آکادمیک که یک گروه علمی است از محصلین عزیز، استادان گرامی، و دیگر افرادیکه که توانائی ترجمه دارند، در حوزه های مختلف برای ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی و یا بالعکس، در حد توان و علاقه‌شان دعوت به همکاری داوطلبانه می‌نماید.

۲. در صورت تمایل به همکاری به ما ایمیل بفرستید تا ما مطالب کوتاه علمی پژوهشی را برای شما جهت ترجمه بفرستیم.

۳. مسئولیت آراء و نظریات ارائه شده در مقاله ها بر عهده نویسندگان است و درج مقاله در نشریه پژوهش به معنی تأیید مطالب آن نیست.

۴. پژوهش در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله های دریافتی آزاد است.

۵. از آنجائیکه پژوهنده حقیقت یاب است، باید از هر گونه خطا مبرا باشد. و ازینروست که کار هر پژوهنده نیاز به نقد و بررسی و بازبینی دارد. بنابراین از شما خواهشمندیم تا نظرات، پیشنهادات و انتقادات علمی خویش را از ما دریغ نفرمائید.

آدرس‌های ارتباطی گروه تحقیقات آکادمیک

صفحه فیسبوک گروه www.facebook.com/AcademicResearchGroup

صفحهٔ فارسی گروه www.academicrg.blogspot.com

صفحه انگلیسی گروه www.academicrg-english.blogspot.com

آدرس ارتباطی جی میل academicrg@gmail.com

آدرس ارتباطی یاهو academicrg@yahoo.com

فهرست مطالب

ما با آموختن از بهار

دلهای پر مهرمان را با شما پیوند می زنیم و نشاط می آفرینیم و دوستی به ارمغان می آوریم.

ما با آموختن از بهار

پژوهش های مان را با پژوهشهای مردمان جهان پیوند می‌زنیم و برای مردم خود دانش به ارمغان می آوریم.

ما با آموختن از بهار

تلاش می‌کنیم تا در پروسهٔ پژوهش های علمی عضو فعالی از کاروان تحقیقات و پژوهشهای جهانی باشیم و نقش ارزشمندی را در جهت رشد و شکوفائی جهانی ایفاء نمائیم.

ما با آموختن از بهار

نو شدن را تجربه می‌کنیم و برای شما حرف های تازه به ارمغان می آوریم.

ما با آموختن از بهار

به رویش استعدادهای سرزمین خود یاری می‌رسانیم، تا همه با هم تنوع و پیشرفت را به ارمغان بیاوریم.

ما در این آغازین روزهای بهار ۱۳۹۵

برایتان سالی پربار، پر از خوشی، و سلامتی و موفقیت آرزو می‌کنیم.



گروه تحقیقات آکادمیک

Academic Research Group



بهار آمده اینک، برخیز!



بهار آمده اینک، هان!
هر طرف می نگرم
رویش سبز بهار می بینم
همه جا، شکوفه زار می بینم
من از خندیدن برگ بر شاخه
وز تماشای ذوق گل سرخ
به شوق می آیم.



بهار آمده اینک، هان!

برخیزید

سوی چمن

دشت و دمن

کوه و صحرا

بروید و بشنید به کنسرت طبیعت

همه تن گوش شوید؛

نغمه بلبلان

خوش‌ترین ترانه است



در این دنیای بردگی،

که آوازهایش همه طعم تلخ اسارت دارند در خود

بهار آمده اینک، هان!

برخیز

رویش سبز جوانه را تو ببین

برخیز

آستین‌ها را بالا بزن

با غنچه تو را می‌خواند



بهار آمده اینک، هان!
اندوه دلت را بدور افکن
آزادی موج می زند
در این رستاخیز طبیعت
رها شو

در باد
در گل
در نسیم
در عطر گل های معطر



و تو نیز زمزمه کن

عاشقانه ترین

سرود را

بهار آمده اینک، !

برخیز

بهار آمده اینک، !



شاعر: یما حمید

۱۳۹۵/۰۱/۰۴

سالی که گذشت

گپی به مناسب سال نو

یک سال دیگر هم گذشت، و یک سال دیگر هم رسید، اکنون که در ابتدای سال قرار داریم در مورد بسیاری چیزها با خود می‌اندیشیم. اینکه سال پار را چگونه سپری کردیم؟ و این سال را چطور سپری خواهیم کرد؟ و غیره . . .

اگر با ادبیات مدیریتی صحبت کنیم و واژه های متناسب با آن را بکار ببریم، باید بگوئیم که هر کدام از ما در ابتدای سال نو ارزیابی از عملکرد سال گذشته خود خواهیم داشت. در این صفحه و در طی سطور زیر من به نمایندگی از گروه تحقیقات آکادمیک به یک ارزیابی کلی از سالی که گذشت می‌پردازم.

سالی که گذشت مانند هر سال دیگری فراز و نشیب های خودش را داشت. تلخی و شیرینی، غم و شادی، سردی و گرمی، شب و روز، زیبایی و زشتی و ناکامی و کامیابی، شکست و پیروزی، قهر و آشتی، تندی و نرمی و بسیاری از حالات متضاد دیگر را هر یک از ما تجربه کردیم. اکنون شاید برای شما خواننده عزیز، این سوال مطرح شود که چرا این حالات متضاد را تجربه می‌کنیم؟ چرا متضاد؟!

پاسخ اینست: زندگی و حیات از حرکت بوجود می‌آید و حرکت از تضاد و تضاد از موجودیت عناصر و اجزای متضاد و گوناگون حاصل می‌شود. این تضادی که باعث حرکت می‌گردد و این حرکتی که باعث حیات می‌شود در جریان مبارزه دائمی خویش موجب تداوم و تکامل حیات می گردد. اینک خوبست که به چند نمونه از متضادهای طبیعت، زندگی و جامعه نیز اشاره‌ای بشود.

متضادهای طبیعی: سردی و گرمی، شب و روز، مثبت و منفی، پائین و بالا، سکوت و صدا و غیره.

متضادهای زندگی: جذب و دفع، زندگی و مرگ، غم و شادی، ناکامی و کامیابی، قهر و آشتی و غیره.

متضادهای اجتماعی: منافع فردی و منافع جمعی، جنگ و صلح، سود و زیان، درست و نادرست، حق و ناحق، انصاف و بی انصافی، شرف و بی شرفی، آبرو و بی‌آبروئی و غیره.



بنابراین، طبیعت، زندگی و جامعه متشکل از عناصر و اجزائی متضاد است که هر یک از این عناصر و اجزای متضاد باز در درون خود (بعنوان مثال اتم) از اجزای متضاد دیگر برخوردارند که موجب حرکت درونی پدیده‌ها و اشکال بیرونی آنها می شوند و در نهایت کیفیت پدیده را می سازند و شکل و چگونگی و جهت حرکت آنرا می نمایانند. و این یعنی فلسفه، فلسفه ای که این جهان هستی را با کمک علوم طبیعی و اجتماعی تا به اکنون در حد شناخت‌های علمی موجود تبیین کرده است.

و اما سالی که گذشت، با تمام مسائلی که داشت برای ما اکثریت اعضای این گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و این اهمیت ویژه چیزی نیست بجز ورود به تحصیلات عالی که خود آغاز فصلی جدید از تحول برای ما می‌باشد.

و اما، مهمترین مسئله برای همه اعضای گروه، تشکیل گروه تحقیقات آکادمیک است. ما اعضای گروه باورمندیم که عضویت در این گروه فصل تازهٔ دیگری است که بعد از ورود به مرحله تحصیلات عالی موفق به ورود به آن شدیم.

تحقیقات آکادمیک، عالی‌ترین مرحله تحصیلات عالی در هر کشور و در هر نقطه‌ای از جهان است. تحقیقات آکادمیک از ارزش و اهمیت فوق العاده ویژه ای برخوردار است. زیرا زمینه ساز تغییر و تحول و دگرگونی های مورد نیاز هر جامعه از طریق علمی است. تحقیقات آکادمیک فرآیند تولید دانش و خرد می‌باشد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به تغییر و تحول و به رشد و توسعه دست یابد مگر با اقدام و تلاش در راه

تحقیقات آکادمیک، و تزریق یافته‌ها و محصولات آکادمیک در بافت بافت و لایه لایه اجتماع با صبر و حوصله مندی، صداقت و واقع بینی، و طاقت و پشتکاری که لازمه این کار و فعالیت علمی تحقیقی است.

امسال دارد شروع می‌شود. زنگ ختم سالی که رفت و زنگ شروع سالی که در آستانه است به صدا درآمده است. در این لحظات آغازین سال نو با ارزیابی از عملکرد سال گذشتهٔ خودمان کسب تجربه می کنیم و این تجربه های سال گذشته خود را تبدیل به پله های محکمی روی نردبان موفقیت خویش کرده تا این نردبان محکم و مستحکمی که از جنس تجربه های ما و دیگران است ما را در این سال نیز برای ارتقاء، رشد، توسعه و خدمت همگانی و بعد از آن بر همین روال سال به سال به پیش براند. ما به این باوریم که انسان را شایستهٔ زندگی انسانی است. و زندگی انسانی می تواند پیوسته انسانی تر شود. و انسانی تر شدن زندگی روندی می خواهد که دانش آورد و جهل بزداید. تحقیقات آکادمیک و ارائه آن به جامعه همین روند است!

در پایان، صرفنظر از آنچه که گذشت، سال پر باری بود یا سال کم باری، برای همه مردم خوب سرزمینم و تمام آنهائیکه قلب شان با گرمی مهر و مهربانی می‌تپد، سال نو را سالی خوش، سالی مملو از موفقیت، شادی و عشق آرزو میکنم.

سبز و بهاری، و سربلند و سرافراز باشید.

یما حمید

۱۳۹۵/۰۱/۰۱







بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک



بوی باران ، بوی سبزه ، بوی خاک

شاخه های شسته ، باران خورده پاک

آسمان آبی و ابر سپید

برگهای سبز بید

عطر نرگس، رقص باد

نغمه شوق پرستوهای شاد

خلوت گرم کبوترهای مست

نرم نرمک میرسد اینک بهار

خوش به حال روزگار ...

خوش به حال چشمه ها و دشتها

خوش به حال دانه ها و سبزه ها

خوش به حال غنچه های نیمه باز

خوش به حال دختر میخک که میخندد به ناز



خوش به حال جام لبریز از شراب

خوش به حال آفتاب ؛

ای دل من، گرچه در این روزگار

جامه رنگین نمیپوشی به کام

باده رنگین نمی‌بینی به جام

نقل و سبزه در میان سفره نیست

جامت از آن می که میباید تهی است

ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم

ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار

گر نکوبی شیشه غم را به سنگ

هفت رنگش میشود هفتاد رنگ ...

شاعر: فریدون مشیری





لطف بهار

آنچه را ویرانگر پاییز در هم ریخت،
غارت کرد،
برد،
آنچه را سرمای دی یکسر به نابودی سپرد،
و آنچه را کولاک بهمن زیر پای خود فشرد،
باز می‌سازد بهار.
روی آن ویرانه‌ها، پرچم رنگین گل را،
بر می‌افرازد بهار.
تار و پودش تشنهٔ سازندگی است،
در نهادش نیروی جان آفرین زندگی است.
در تکاپوی گران بی های و هوست،
چهره اش رنگین کمانی از بهشت آرزوست،

با نسیمش هر چه خواهی سبز و سرخ و رنگ و بوست،
وین همه آبادی و شادی از اوست.
جاودان در گردش است این آسمان
فصل بعد فصل می‌گردد زمان
نیک می‌دانی گذشت ماه و سال،
خود چه می‌آرد به روز مردمان!
این میان، هر سال، با لطف بهار،
با طلوع ارغوان،
بار دیگر می‌شود جان‌ها جوان.



شاعر: فریدون مشیری

عزت سرخ



عاقبت به حضور بهار پی بردیم
به عطر گمشده روزگار پی بردیم

زمین و هر چه در او هست در ستایش ماست
که ما به معنی فرجام کار پی بردیم

بگو به سنگ نیارد دل از زمانه به تنگ
که ما به ارزش آن انتظار پی بردیم

زبسکه شسته باران چشم خویش شدیم
به عمق روشنی چشمه سار پی بردیم

چو در کنار نشستیم و رنگ هم گشتیم
به راز عزت سرخ انار پی بردیم

دگر به صفحه دل جای گرد نیست که ما
به حسن آیینه بی غبار پی بردیم

در خاطر ما بیش ازین خزانزده نیست
که عاقبت به حضور بهار پی بردیم

۱۳۸۱

شاعر: نادیا انجمن

بررسی اجمالی قرن نوزدهم و تاریخچه هشتم مارچ روز جهانی زن

نویسنده و پژوهشگر:
یما حمید

نیست شوقی که زبان باز کنم از چه بخوانم

نیست شوقی که زبان باز کنم از چه بخوانم
من که منفور زمانم چه بخوانم چه نخوانم

چه بگویم سخن از شهد که زهر است به کامم
وای از مشت ستمگر که بکوبیده دهانم

نیست غمخوار مرا در همه دنیا به که نازم
چه بگریم، چه بخندم، چه بمیرم، چه بمانم

من و این کنج اسارت، غم ناکامی و حسرت
که عبث زاده ام و مُهر بباید به زبانم

دانم ای دل که بهاران بود و موسم عشرت
من پر بسته چه سازم که پریدن نتوانم

گرچه دیریست خموشم نرود نغمه ز یادم
زانکه هر لحظه به نجوا سخن از دل برهانم

یاد آن روز گرامی که قفس را بشگافم
سر برون آرم ازین عزلت و مستانه بخوانم

من نه آن بید ضعیفم که ز هر باد بلرزم
دخت افغانم و بر جاست که دایم به فغانم

دلو ۱۳۷۸
نادیا انجمن

مقدمه

هشتم مارچ امسال بهانه‌ای شد که به مطالعه قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن بپردازم. این انگیزه از آنجا آغاز شد که می‌خواستم تاریخچه هشتم مارچ را بطور مفصل‌تر بدانم.

و از آنجائیکه من محصل رشته اقتصاد با گرایش‌های مطالعات و تحقیقات اجتماعی و فرهنگی هستم و این روز هم با مسائل اقتصادی و اجتماعی و جنگ و بحران و دیگر مسائلی که با رشتهٔ تحصیلی ام اقتصاد در پیوند قرار دارد علاقه‌مند شدم تا این پژوهش را انجام و ارائه دهم.

روی این ملحوظ در این مطلب به بررسی اجمالی قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی و تاریخچهٔ هشتم مارچ روز جهانی زن می‌پردازم. این نوشته از مطالعه پژوهشی منابع گوناگون تهیه شده است. امیدوارم این پژوهش با وجود تمام کم و کاست هایش برای شما مفید واقع گردد.

جهان در قرن ۱۹

انقلاب صنعتی و پیامدهای آن

قرن نوزدهم دوره دومین مرحله انقلاب صنعتی بود. اولین مرحله آن از نیمه قرن هجدهم آغاز شد. انقلاب صنعتیِ که توسط سرمایه داران تصرف گردید و تبدیل به انقلاب صنعتیِ سرمایه‌داری شد. انقلاب صنعتیِ که برای مردم جهان مصیبت آفرید.

قرن نوزدهم، قرن اوج فقر، استثمار شدید، استعمار، جنگ، بیکاری، آلودگی، بیماری و مرگ بود. از نظر من در این قرن مردم جهان را از نظر

فعالیت‌ها و شکل نظام اقتصادی و اجتماعی (چگونگی تولید، توزیع، مصرف و پیامدهای اجتماعی آن) باید به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

۱. صاحبان ابزار تولید کشورهای صنعتی (سرمایه‌داران و مالکین).
۲. نیروهای انسانی تولید کشورهای صنعتی (کارگران و کارکنان).
۳. مردم کشورهای مصرف کننده محصولات صنعتی
۴. قدرتمندان کشورهای مصرف کننده (حاکمان)

"زیرا دو نتیجه مهم انقلاب صنعتی، گسترش استعمار اروپایی ها در کشورهای آسیایی و آفریقایی و بهره‌کشی از کارگران در داخل بود."
ویکی پدیا، انقلاب صنعتی

من بعنوان یک پژوهشگر وقتی که تاریخ جهان در قرن نوزده را بررسی می‌کنم از زندگی وحشتناک مردم این قرن بر خودم میلرزم. من نمی‌گویم که پیش از قرن نوزده خوب بوده است و یا حالا که در قرن بیست و یکم داریم زندگی می‌کنیم خوب است. چون در این پژوهش به مسائل قرن نوزده می‌پردازم، لذا، برای جلوگیری از طولانی شدن این پژوهش کاری به تحولات پیش از قرن نوزده و بعد از آن ندارم.

شروع عصر جدیدی از رنج‌ها و دردها

انقلاب صنعتی آغاز ورود به اقتصاد جدیدی بود که عصر جدیدی از رنج‌ها، دردها و نارضایتی‌های عمومی را به وجود آورد. عصر جنگ ها و انقلاب‌های قرن نوزدهم که همه محصول این اقتصاد جدید بودند. این وضعیت با اختراع ماشین و داخل شدن آن در فرآیند تولید ایجاد گردید، البته ماشینی که در خدمت دارنده‌اش قرار داشت و در جریان تولید جایگزین قسمت زیادی از نیروهای انسانی درگیر تولید شد، همانطور که این ماشین در ماهیت خود از رنج بشر می‌کاست - زیرا فشار کارهای سخت و شدید را از دوش وی برداشت - همانطور که این ماشین فاصله ها را کم کرده بود، همانطوریکه این ماشین آنچنان قدرت بشر را افزایش داده و چهرهٔ زندگی را تغییر داده بود که موفق به کسب واژهٔ انقلاب گشته بود، ولی از نقطه نظر روابط و مناسبات تولید و زندگی اجتماعی انسان، باعث افزایش رنج و محرومیت وی از چرخهٔ تولید گردید. زیرا "در عصر انقلاب صنعتی، هر اختراع تازه سبب می شد که ماشین‌های تازه به جای عده‌ای از کارگران به کار بیفتند و گروهی را بیکار کنند. در نتیجهٔ بیکار شدن عده‌ای از کارگران و هم چنین افزایش قیمتها به دلیل تغییر و تحولات صنعتی، فقر و تنگدستی بر آنها چیره شده و آنها ناچار بودند که برای سیر کردن خود و خانواده‌هایشان به گدایی و خوردن پسماندهٔ غذاهای رستوران ها روی بیاورند. در شهر لندن این معضل بسیار چشمگیرتر بود." پیامدهای انقلاب صنعتی در انگلستان، سایت ویکی پدیا

شهرها و زندگی کارگران

کارخانه‌هایی با دودکش‌های بلند که دود غلیظی از آنها بیرون می‌آمد شهرهای صنعتی را تشکیل داده بودند. این شهرهای صنعتی با دود و فضولات مایع و جامد صنعتی از زمین و هوا احاطه شده بودند. فضای این کارخانه‌ها بشدت خفه و کسالت آور بود. کار با ماشین‌آلات این کارخانه ها در بسیاری موارد خطر آفرین بود و باعث شده بود که بسیاری از کارگران دست‌ها و یا انگشت‌هایشان را از دست بدهند. علاوه بر تمام اینها، انضباط شدید و نظارت دقیقی از سوی کارفرمایان بر کار کارخانه حاکم بود.

در کارخانه‌ها کارگران به مدت ۱۴ تا ۱۷ ساعت در روز و شش روز در هفته با مزدهای ناچیز کار می‌کردند. قسمت عمدهٔ کارگرانِ کارخانه‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. زیرا کارخانه داران مجبور نبودند که برای آنها مزدی برابر با مردان بپردازند. و این راهی بود که آنها از همان مزدهای ناچیز هم می‌کاستند.

کارگران دوران انقلاب صنعتی چیزی جز برده‌های سرمایه داری نبودند، فقط می‌توان گفت که ابزارهای جانداری بودند که ارزش شان از ابزارهای بی‌جان به مراتب کمتر بود.

در سال ۱۸۰۰ شمار کارگران آزاد غیر از بخش زراعت در آلمان ۸۵۰۰۰ نفر بود.

بین سال‌های ۱۸۳۲ تا ۱۸۴۸ تعداد کارگران آزاد بدون در نظر گرفتن بخش زراعت در آلمان از ۴۵۰۰۰۰ به ۲۰۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. این رقم شامل تعداد بسیاری از کودکان زیر ۱۴ سال نیز می‌شود.

در سال ۱۸۴۱ نزدیک به نیم میلیون کارگر زن در انگلیس کار می‌کردند.



برای درک وضعیت کارگران و یا به اصطلاح اقتصادی عوامل انسانی تولید در قرن نوزده نگاهی به کشور انگلستان که اولین و پیشرفته ترین کشور صنعتی جهان در قرن نوزده بود می‌اندازیم. وضعیت انگلستان را خوانده و خودتان وضعیت نیروهای انسانی تولید را در دیگر کشورهای صنعتی که از انگلستان عقب تر بودند را حدس بزنید.

در مورد شهرهای انگلیس و زندگی کارگران، در نوشته ترجمه شده‌ای که از فاطمه باباخانی در روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۸۳۴ آمده است یک تصویر کلی ارائه شده است، در بخش هائی از آن چنین می‌خوانیم:

”. . . در اوایل این سده شهرها کثیف، غیر بهداشتی و مملو از جمعیت بودند . . .“

”. . . زمانی که شهر رشد پیدا کرد محله های جدیدی به وجود آمدند، کمیسیون بهبود نتوانست در این محله‌ها اعتباری کسب کند، این مسأله موجب شد که هیچ مرجعی برای تمیز کردن محله وجود نداشته و زباله‌ها در گوشه ای از خیابان جمع شوند. از آنجا که برخی از این زباله، به شکل زباله‌های تر و ارگانیک بودند پس از مدتی چسبناک و سیاه می‌شدند، از آنها برای کود استفاده می‌شد.“

”در اوایل قرن نوزدهم چاه فاضلاب بخش‌های فقیر شهرهای بزرگ فقیر، مساله ساز شد. دیر به دیر خالی می‌شد و موجبات بیماری‌های واگیردار را پدید می‌آورد. در اوایل این قرن فقط مردم ثروتمند سرویس های بهداشتی مجهز داشتند (منظور دستشوئی و تشناب است) و خانواده های فقیر به شکل اشتراکی از سرویس‌های بهداشتی استفاده می‌کردند. این وضعیت غیر بهداشتی، بیماری‌های واگیردار را در میان طبقات فقیر به سرعت افزایش داد و امید به زندگی در این دوران کاهش پیدا کرده و در شهرها به سطح پایینی رسید، در حالی که مرگ و میر کودکان همچنان به روند رو به رشد خود ادامه می‌داد. در سال‌های بین ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۲ و در ۱۸۴۸ تا ۱۸۴۹ بیماری وبا در شهرهای انگلیس رواج پیدا کرد . . .“

”. . . در پایان قرن نوزدهم بیش از ۲۵ درصد از جمعیت انگلستان زیر خط فقر زندگی می کردند. ۱۰ درصد از آنها چنان فقیر بودند که نمی‌توانستند مایحتاج اولیه خود، غذا را به اندازه کافی تأمین کنند. ۱۵ تا ۲۰ درصد نیز تنها برای اینکه زنده بمانند پول کافی داشتند، (آنها نمی‌توانستند کار نکنند حتی زمانی که مریض بودند) اگر فردی هیچ منبع درآمدی نداشت باید به نوانخانه یا اردوی کار می‌رفت. این اردوگاه ها مکانی بود که مردم فقیر از آن تنفر داشتند، . . . زنان و مردان با وجود ازدواج از هم جدا بودند و بچه ها را نیز از والدین‌شان جدا می کردند. ساکنان این خانه‌ها کارهای مشقت باری نظیر شکستن سنگ و کشیدن آن با طناب های فرسوده را انجام می‌دادند . . . (در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیاری از بچه‌ها کفشی برای پا کردن نداشتند) در قرن نوزدهم فقرای زیادی در انگلستان وجود داشت، . . .“

در یک شماره قبل تر روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۸۳۳، در بخش‌هایی از نوشته ترجمه شدهٔ دیگری از فاطمه باباخانی چنین می‌خوانیم:

”در قرن نوزدهم نزدیک به ۸۰ درصد از مردم جزو طبقه کارگر بودند . . .“ ”در طول قرن نوزدهم سیستم کار در کارخانه جایگزین کار خانگی یا کارگاه‌های کوچک شد . . .“

”. . . در طول انقلاب صنعتی و بویژه در کارخانه‌های نساجی کودکان در سطح گسترده‌ای به کار گرفته شدند، به گونه‌ای که گاه یک کودک مجبور بود روزی ۱۲ ساعت کار کند. در اوایل این قرن پارلمان قانونی را برای محدود کردن کار کودکان تصویب کرد، هر چند که تضمین‌ها برای رعایت آن محدود بود. اما اولین قانون مؤثر در این زمینه در سال ۱۸۳۳ تصویب شد. این قانون از آن جهت تأثیرگذار بود که بازرسانی را برای تحقیق به کارخانه‌ها می‌فرستاد تا مطمئن شوند که قانون در زمینه کار کودکان رعایت می‌شود. قانون جدید، کار کودکان زیر ۹ سال از کار در کارخانه‌های نساجی را منع می‌کرد. همچنین بر اساس این قانون کودکان بین ۹ تا ۱۳ سال نباید بیشتر از ۱۲ ساعت در یک روز کار می‌کردند. کودکان بین ۱۳ تا ۱۸ سال نیز نباید بیش از ۶۹ ساعت در هفته کار می‌کردند. علاوه بر این افراد زیر ۱۸ سال حق نداشتند در ساعات شب کار کنند. به کودکان ۹ تا ۱۳ سال همچنین دو ساعت در روز باید برای تحصیل اختصاص می‌یافت.“

”در قانون سال ۱۸۴۲ کار کودکان زیر ۱۰ سال و زنان در معدن ممنوع اعلام شد. در قانون سال ۱۸۴۴ همه نوع کار برای کودکان زیر هشت سال ممنوع شد. در سال ۱۸۴۷ نمایندگان کارخانه‌داران گفتند که زنان و کودکان تنها می‌توانند ۱۰ ساعت در روز کار کنند. در سال ۱۸۶۷ این قوانین در تمام کارخانه‌ها اعمال شد . . .“

انقلاب صنعتی و پایمال شدن ارزش‌ها

انقلاب صنعتی در چوکات نظامی متولد گشت که علم و صنعت در خدمت تولید سود برای انباشت آن و سرمایه جهت مقابله با رقبا و تأمین یک نوع برتری جهانی قرار داشت که این تلاشِ صاحبان و سکانداران صنعت، به شکل دیوانه‌واری انسان‌ها و ارزش‌های انسانی را پایمال می‌کرد.

انقلاب صنعتیِ تحت مالکیت سرمایه، در پهلوی مصائب اجتماعی که در قرن نوزدهم خلق کرد موجب آلودگی‌های زیست محیطی وحشتناکی هم شد که هم اکنون این روند آلوده سازی تبدیل به آنچنان خطری جدی گردیده است که زندگی بشریت را به شدت تهدید می‌کند.

انقلاب صنعتی مذکور، قدرتی ایجاد کرد که انسان توانست دست به ایجاد سلاح‌های مخرب و کشتار جمعی و هسته ای و اتمی و میکروبی بزند.

انقلاب صنعتیِ سرمایه داری در پهلوی تمام مزایایی که دارد از جنبه های فوق العاده منفی برخوردار است که یک پای بشریت سخت در آن گیر مانده و موجب قربانی ها و خسارات بی‌حد و اندازه ای شده است.

انقلاب صنعتی علاوه بر اینکه فقر را از میان نبرد بلکه بر شدت آن افزود و علاوه بر اینکه باعث رفاه و آسایش و عدالت نشد بلکه اختلاف و شکاف های طبقاتی را وسیعا افزایش داد و باعث اسارت اکثریت جامعه در دست اقلیت صاحب صنعت گردید. این انقلاب صنعتی بر دامنهٔ جنگ‌ها افزود و علاوه بر گستراندن هر چه بیشتر بساط استعمار و جنگ‌های استعماری در قرن نوزدهم، زمینه ساز جنگ‌های قرن بیستم و خصوصا جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز شد.

”انقلاب صنعتی“ و کاپیتالیسم مسئلهٔ تولید را حل کردند اما مسئلهٔ توزیع صحیح ثروت تازه را که به وجود می‌آمد حل نکرده اند به همین جهت نزاع قدیمی میان ”آنانکه دارند“ و ”آنانکه ندارند“ نه فقط همچنان باقی مانده است بلکه شدیدتر و حادتر شده است.“ نگاهی به تاریخ جهان، جلد دوم، صفحه ۶۹۰

خوانندهٔ عزیز، این نگاهی بدبینانه به انقلاب صنعتی نیست، بلکه دیدن واقعیت‌هایی است که محصول آن بوده اند. برای فهم بهتر اینکه انقلاب صنعتی مذکور با وجود اینکه ماشین و صنعت ماهیتا به انسان نیرو می‌دهد ولی چرا باعث مصیبت‌های بسیاری گردیده است؟ باید از آن - همانطور که پیشتر ذکر کردم - به عنوان ”انقلاب صنعتیِ سرمایه داری“ نام برد. زیرا این انقلاب صنعتی به جای آنکه در خدمت انسان باشد و برای رفع نیازهای انسان بکار گرفته شود در خدمت طبقه مالک صنعت (مالک ابزارهای تولید صنعتی) به منظور کسب هر چه بیشتر سود و رقابت و قدرتمندتر ساختن این طبقه به قیمت نابودی انسان و محیط زیست قرار گرفته است.

عیب کار در کجاست؟

در سال ۱۸۱۲ در اروپا جنبشی براه افتاد که به جنبش ماشین شکنان مشهور گشت. در این جنبش کسانی گرد آمده بودند که علت اصلی بدبختی‌های خود را در موجودیت ماشین ها می‌دیدند و اینطور تصور می کردند که این ماشین‌ها هستند که باعث بیکاری و فقر ما گشته اند زیرا آن‌ها بجای ما کار می‌کنند و لذا دست به تخریب ماشین‌ها می‌زدند.

اما عیب کار در کجاست؟

این ماشین نیست که مقصر باشد. زیرا ماشین محصول پیشرفت بشر در ابزار سازی است. و انسان تا به اکنون به مدد ابزارهایش توانسته است که بر توانائی‌هایش فوق العاده بیفزاید.

مقصر سیستمی است که ماشین در آن بکار گرفته می‌شود. ما می‌گوئیم ”ماشین“ و بعد تمامی مصائب و مشکلات را بر گردن تحول و دگرگونی عظیمی که در صنعت بوجود آمده است می‌اندازیم، بدون آنکه از خود بپرسیم این سیستمی که انقلاب صنعتی، ماشین و دیگر ابزارهای مدرن بشر، در آن بکار گرفته می شود، سکاندارش کیست؟

این ابزارها در خدمت کی قرار دارند و توسط چه دستانی و برای سود رسانی به چه کسانی هدایت می‌شوند و به پیش می‌روند؟

اینها سوالاتی هستند که باید از خود بپرسیم. جواب دادن به این سوالات و آنهم جواب‌هایی حقیقی ما را به حل این مسئله می‌رساند که چرا انقلاب صنعتی بجای اینکه امنیت، رفاه و آسایش بیافریند ناامنی، فقر و مصیبت آفرید؟

جنگ‌ها و انقلاب‌های قرن نوزدهم

همانطوریکه در قسمت ”انقلاب صنعتی و پایمال شدن ارزش‌ها“ ذکر گردید، انقلاب صنعتی قرن نوزدهم سبب جنگ‌ها و انقلاب های قرن نوزدهم گردید و بدتر از آن اینکه تخم جنگ‌های قرن بیستم هم در همین جنگ‌های قرن نوزدهم حاصل از انقلاب صنعتیِ سرمایه داری کاشته

شد.

برای روشنی بیشتر، بعضی از جنگ‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌های قرن نوزدهم را لیست می کنم اما این فهرست در برگیرندهٔ تمام آن وقایع خونین قرن نوزدهم نیست:

۱. جنگ‌های هند
۲. جنگ‌های ناپلئونی (۱۸۰۳-۱۸۱۵)
۳. جنگ ایتالیا و اتریش
۴. جنگ‌های انگلستان با فرانسه
۵. جنگ‌های بربری بین ایالات متحده و کشورهای بربر شمال آفریقا (۱۸۰۵-۱۸۰۱)
۶. جنگ‌های انگلستان با امریکا (۱۸۱۲)
۷. جنگ‌های فنلاند (۱۸۰۹-۱۸۰۸)
۸. انقلاب‌های قارهٔ امریکا در نیمه اول قرن نوزده
۹. جنگ نپال (۱۸۱۶-۱۸۱۴)
۱۰. جنگ واترلو (۱۸۱۵) طرفین جنگ: امپراطوری اول فرانسه، انگلیس، هلند و پروس که نتیجه شکست فرانسه بود.
۱۱. جنگ‌های برمه با انگلستان:
جنگ اول (۱۸۲۶-۱۸۲۴)
جنگ دوم (۱۸۵۲)
جنگ سوم (۱۸۸۵)
۱۲. جنگ جدا سازی یونان از امپراطوری عثمانی توسط انگلستان و فرانسه (۱۸۲۹)
۱۳. جنگ‌های تریاک (چین)
جنگ اول تریاک (۱۸۴۲-۱۸۳۹)
جنگ دوم تریاک (۱۸۶۰-۱۸۵۸)
۱۴. جنگ چین و فرانسه
۱۵. انقلاب فرانسه (۱۸۳۰)
۱۶. انقلاب فرانسه (۱۸۴۸)
۱۷. انقلاب آلمان (۱۸۴۸)
۱۸. انقلاب سوئد (۱۸۴۸)
۱۹. انقلاب واتیکان، روم (۱۸۴۸)
۲۰. انقلاب مجارستان (۱۸۴۸)
۲۱. انقلاب ایتالیا (۱۸۴۸)
۲۲. انقلاب والاچیا (۱۸۴۸) (بخشی از رومانی)
۲۳. انقلاب هاپسبورگ (۱۸۴۸)
۲۴. انقلاب فرانسه ۱۸۷۱ (کمون پاریس)
۲۵. جنگ پروس و اطریش(۱۸۶۶)
۲۶. جنگ‌های افغان-انگلیس در قرن نوزده (۱۸۷۸-۱۸۳۹)
۲۷. جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۴)
۲۸. جنگ ائتلاف سه‌گانه (۱۸۷۰-۱۸۶۴) خونین‌ترین جنگ تاریخ امریکای لاتین
۲۹. جنگ قدرت‌های خارجی با ژاپن (۱۸۶۷)
۳۰. جنگ فرانسه و پروس (۱۸۷۰)
۳۱. جنگ مصر (۱۸۸۲)
۳۲. جنگ سودان (۱۸۸۵)
۳۳. جنگ‌های آفریقای جنوبی (۱۸۹۹-۱۸۸۰)
۳۴. جنگ‌های ژاپن و چین (۱۸۹۵-۱۸۹۴)
۳۵. جنگ جزایر فیلیپین (۱۸۹۸)
۳۶. جنگ‌های روسیه و ترکیه هر چند سال یکبار در طول قرن ۱۹
۳۷. جنگ‌های استرالیا
۳۸. جنگ‌های کانادا
۳۹. جنگ‌های زلاند نو
۴۰. جنگ‌های جزایر اطراف استرالیا
۴۱. جنگ‌های داخلی امریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱)
۴۲. جنگ‌های مکزیک (۱۸۴۶)
۴۳. جنگ الجزایر
۴۴. جنگ امریکا و ژاپن (۱۸۵۳)
۴۵. جنگ امریکا و اسپانیا (۱۸۹۸) ایالات متحده-کوبا، اسپانیا

همانطوریکه پیش از شروع این فهرست برایتان ذکر کردم اینها در برگیرنده تمام جنگ‌ها، شورش ها و انقلاب‌های قرن نوزدهم نیست.

زیرا "فقط در اروپای غربی از اواخر سدهٔ ۱۸ میلادی بیش از ۱۵۰ درگیری و حدود ۶۰۰ نبرد صورت گرفته است." سایت ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، جنگ

بعنوان پیامدهای جنگ های قرن نوزدهم باید تمام جنگ ها و لشکرکشی‌ها، شورش‌ها و انقلاب های قرن بیستم را نیز در ادامه این لیست افزود، چون ریشهٔ مصیبت‌های قرن بیستم نیز همین تحولات اقتصادی و سیاسی قرن نوزدهم می‌باشند. این جنگ‌ها تلفات انسانی وحشتناک و خسارات مالی بی حسابی را در پی داشته است خصوصا دو جنگ جهانی اول و دوم که در قرن بیستم واقع شده اند.

از دلایل اصلی جنگ‌های قرن نوزدهم، بطور کلی، به شش مسئله باید اشاره کرد:

۱. مبارزه نیروهای نوخاسته بورژوازی با قدرت های فئودالی حاکم
۲. پیدایش انقلاب صنعتی و نیاز آن به مواد خام و نیروی انسانی مفت

۳. نیاز انقلاب صنعتی به بازار خارجی برای فروش محصولات اش به قیمت گزاف

۴. مبارزات نیروهای انسانی تولید در کشورهای صنعتی (کارگران)

۵. مبارزات و مقاومت مردم مناطقی که آماج قرار می‌گرفتند. (مستعمره ها)

۶. رقابت قدرت‌های صنعتی با یکدیگر

اولین بحران اقتصادی جهانی

بطور دقیق ۱۵۹ سال پیش از این، اولین بحران اقتصادی جهانی در سال ۱۸۵۷ بوجود آمد. این بحران از کشور امریکا شروع گردید و بعد از آن انگلستان را فرا گرفت و در همهٔ کشورهای اروپائی گسترش یافت.

آغاز بحران در امریکا را، ورشکستگی بسیاری از بانکها، شرکتهای مالی و صنعتی ذکر می‌کنند.

این ورشکستگی ها باعث زوال تجارت گردید، و زوال تجارت موجب افت قیمت ها شد. کارخانه های زیادی بسته شدند و بسته شدن کارخانه ها بیکاری را بصورت بی سابقه ای افزایش داد. کارخانه هایی که هنوز بسته نشده بودند و کارگرانی که هنوز کار می‌کردند در وضعیت بسیار بدی قرار گرفتند. به این صورت که صاحبان کارخانه‌هایی که هنوز بسته نشده بودند برای دوام آوردن در مقابل افت قیمت‌ها، مخارج و هزینه های تولیدی شان را کاهش دادند. پائین آمدن مزد کارگران و اضافه شدن ساعات کار آنان بخشی از کاهش مخارج و هزینه‌های تولید بود.

و کارگرانی هم که هنوز بیکار نشده بودند برای حفظ کار خود مجبور بودند تا با معاش کمتر، بیشتر و شدیدتر کار کنند. اینها بخشی از مصائبی بود که دامن نیروی انسانی درگیر تولید را گرفته بود. در پهلوی اینها، عدم توجه به محیط کار، معیشت و محل زیست کارگران و بسیاری مسائل دیگر نیز بودند که شرایط کار و زندگی را در آن دوره برای عوامل انسانی تولید بسیار سخت کردند. این وضعیت و رفتارهای نامناسب و غیر انسانی کارفرمایان با کارگران از یک سو، و بیکاری و اوضاع وخیم اقتصادی بحران ۱۸۵۷ از سوی دیگر باعث گردید تا نیروهای انسانی مشغول کار درون کارخانه‌ها و نیروهای انسانی بیکار بیرون کارخانه ها دست به حرکت‌های اعتراضی بزنند و متحدتر و منسجم تر بشوند.

بعنوان مثال، در فاصله زمانی میان ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ در انگلستان به تعداد ۱۶۰۰ اتحادیه کارگری وجود داشت. بحران ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۹ باعث تحکیم اتحاد و رابطهٔ اتحادیه های کارگری گردید.

کارگرانی که از وضعیت نامساعد شرایط کار از قبیل طولانی بودن ساعات کار و پائین بودن دستمزدها شاکی بودند کاسه صبرشان بسر آمد و خواهان مطالبات انسانی خودشان شدند. و به این ترتیب بحران سال ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۹ جنبش های کارگری را در کشورهای صنعتی و پیشرفته اروپا و امریکا شدت بخشید. که یکی از همین حرکت‌های اعتراضی کارگران، سرآغاز و منشاء اصلی روزی است که بعدها به نام روز هشت مارچ به رسمیت شناخته شد و به صفت روزی جهانی هر ساله با برگزاری مراسمی مورد توجه قرار می‌گیرد.

اما پیش از آنکه به هشتم مارچ بپردازم لازم خواهد بود تا به وضعیت عوامل انسانی تولید (کارگران) در امریکا نیز نگاهی کوتاه داشته باشیم.

کار و زندگی عوامل انسانی تولید در ایالات متحده امریکا

در کتب و منابع مربوط به تاریخ ایالات متحده می‌خوانیم که در نیمه اول قرن نوزدهم صنایع مکانیزه و خصوصا صنعت پنبه در نواحی شمال ایالات متحده در حال توسعه بود و هزاران کارگر در آن مصروف کار بودند که در در حوالی سال ۱۸۶۰ رقم آنان به یک میلیون و هشتصد هزار کارگر روز مزد رسید که در صنایع و حمل و نقل بخش شمالی ایالات متحده مشغول به کار بودند. هشتصد هزار کارگر هم در کشتزارها کار می‌کردند.

در سال ۱۸۲۰ نیمی از کارگرانی که در صنعت پنبه مشغول به کار بودند را کودکان تشکیل می‌دادند، پسران و دختران ۹ و ۱۰ ساله‌ای که بمدت ۱۳ تا ۱۴ ساعت در هر روز کار می‌کردند. استفاده شدید از کار کودکان در امریکا به حدی بود که این کشور را از این لحاظ از تمامی کشورهای اروپائی جلو انداخته بود. در اینجا به این نکته هم اشاره کنم که در بخش جنوبی ایالات متحده وضعیت بدتر از بخش شمالی آن بود زیرا در بخش جنوب آن بردگی رونق داشت. در آمارهای جهانی گفته می‌شود که "عریان‌ترین شکل برده داری را می‌توان در قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ و در آمریکا دید، جایی که چیزی بین ۳۰ تا ۶۰ میلیون برده جان باختند."

سایت ستاد حقوق بشر ایران

وضع زندگی کارگران صنعتی امریکایی در قرن نوزدهم مشقت‌بار بود. این کارگران با دستمزدهای پایین، ساعات طولانی کار و شرایط بد و خطر آفرین زندگی می‌کردند.

شرایط و وضعیت زنان و کودکان کارگر که فیصدی بالایی از نیروهای انسانی تولید را تشکیل می‌دادند بسیار سخت‌تر و دردآورتر بود. دستمزدهایی که زنان و کودکان در ازای ساعت‌های طولانی کارشان - آنهم در شرایط سخت و مخاطره آفرین - دریافت می‌کردند بسیار کمتر از مردان بود. در حقیقت، زنان و کودکان برای همین منظور به کار گماشته می‌شدند تا با دریافت دستمزدهای اندک در پهلوی تولید کالا، باعث کاهش مخارج هزینه‌های تولید و افزایش سود صاحب کارخانه شوند.

بحران‌های ادواری هم پشت سر هم وضعیت زندگی کارگران را خراب‌تر از گذشته می‌کرد. زیرا وقتی که بحران بوجود می‌آمد بسیاری از آنان از کار بیکار می‌گشتند و فقرشان شدیدتر می‌گشت، که اکثرشان با گرسنگی و بیماری در میان مرگ و زندگی در نوسان بودند. در مروری بر تاریخ امریکا این جمله را خواندم: "در اواخر ۱۹۰۰، ایالات متحده بالاترین مرگ و میر مربوط به کار را در میان تمامی کشورهای صنعتی جهان داشت." از روی این جمله شما وضعیت کار و زندگی کارگران آنهم زنان و کودکان کارگر را که در روز بیش از ۱۰ تا ۱۷ ساعت در کارخانه‌ها جان می‌کندند را در نظر آورید.

در گزارش‌ها و اسناد تاریخی در مورد وضعیت زنان کارگر در امریکا در پایان قرن نوزدهم چنین می‌خوانیم:

"حول و حوش آغاز قرن بیستم، هزاران زن در منطقه پر جوش و خروش نیویورک کار می‌کردند. اغلب آنان از روسیه، ایتالیا و لهستان مهاجرت کرده بودند. هر روز تا ۱۵ ساعت کار می‌کردند و به شکل قطعه کاری مزد می‌گرفتند. پول نخ و سوزن، برق و حتی جعبه‌های چوبی که باید روی آن می نشستند را از آنان می‌گرفتند. جریمه‌های سختی برای تاخیر، ضایعات کاری و طولانی شدن وقت مستراح تعیین شده بود."

"کودکان نیز ساعات طولانی کار می‌کردند. کنج کارگاه ها جمع می‌شدند و لباس های تولید شده را نخ کشی می‌کردند. یکی از کارگران دوزنده در شرح خاطرات خود چنین گفته است: "ما لباس ارزان می‌پوشیدیم، در سرپناه‌های ارزان زندگی می‌کردیم، و خوراک ارزان می‌خوردیم. هیچ پیشرفتی در کار نبود. در انتظار روزی که وضع بهتر از این شود نبودیم." صفحات انترنت

هشتم مارچ ۱۸۵۷

همانطوریکه در بخش "اولین بحران اقتصادی جهانی" ذکر کردم بحران ۱۸۵۷ اولین بحران اقتصادی جهانی بود. این بحران از بخش مالی در نیویورک آغاز شد و با سرعت به مراکز عمدۀ مالی اروپا سرایت کرد و شرایط کار و زندگی کارگران را بطرز وحشتناکی سخت‌تر و غیر قابل تحمل ساخت.

درست در دوران همین بحران بود که زنان کارگر کارگاه‌های نساجی و خیاطی در شهر نیویورک امریکا به جاده‌ها ریختند و خواهان افزایش دستمزد هایشان، کاهش ساعت‌های طولانی کار و بهبود وضعیت سخت و شرایط بد کار شدند. زیرا شرایط کار و زندگی کارگران زن از جهات گوناگون بسیار سخت و وحشتناک بود. این کارگران در تحت استثمار شدید قرار داشتند. ساعت‌های کارشان بسیار طولانی بود. در اسناد تاریخی میخوانیم که: "ساعات کار که در اوایل قرن ۱۹ بیش از ۱۲ ساعت در روز نبود در جریان انقلاب صنعتی ابتدا به ۱۳ و سپس به ۱۵ تا ۱۷ ساعت در روز افزایش یافت. در این دوره هیچگونه قانون اجتماعی و قوانین دفاع از حقوق کار وجود نداشت. فقط روابط کاری برای کودکان در قانون پروس در سال ۱۸۳۹ به طور قانونی تنظیم شده بود: «کودکان در آینده فقط زمانی می‌توانند در کارخانه‌ها یا معادن به کار گماشته شوند که به سن کمال ۹ سالگی رسیده باشند . . .» «کارفرمایان در عمل این قوانین را نادیده می‌گرفتند.»"

برگردیم به شرایط زیست و کار زنان کارگر شهر نیویورک در سال ۱۸۵۷ و ببینیم این زنان کارگر تحت چه شرایط هولناکی بسر می‌بردند.

در همین زمینه باز هم در اسناد تاریخی می‌خوانیم که در آن زمان شرایط حاکم بر کار و زیست کارگران زن بیش از اندازه وحشتناک بود: ساعت‌های طولانی و کشنده کار، بهره‌کشی شدید، دستمزد ناچیز و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی. علاوه بر اینها، آنها مجبور بودند که بار نگهداری و بزرگ کردن فرزندان و کار خانه و خدمت به شوهر را نیز بر دوش بکشند.

همین شرایط سخت کار و زندگی باعث گردید تا در هشتم مارچ ۱۸۵۷ به جاده‌ها بریزند و همانطور که پیشتر

یاد کردم، خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعت‌های طولانی کار و بهتر شدن شرایط کار گردند.

گفته می‌شود که این تظاهرات با حمله پلیس و لت و کوب زنان به هم خورد. در بعضی از گزارشات موجود در فضای مجازی انترنت آمده است که در این تظاهرات عده‌ای از کارگران زن با مداخله نظامی نیروی پلیس کشته شدند.

هشتم مارچ ۱۹۰۷

پنجاه سال بعد از اعتصاب ۱۸۵۷، "بحران مالی بزرگ ۱۹۰۷ باز هم در وال استریت شروع شد که ورشکستگی بازار بورس را در پی داشت و موجب هجوم مردم به بانک‌ها شد؛ و همین طور کاهش یازده درصد تولید ناخالص ملی در امریکا را به دنبال داشت. و مجددا و به سرعت به یک بحران شدید مالی و بانکی تبدیل شد که اروپا برای مدت طولانی شاهد آن نبوده است."

در هشتم مارچ سال ۱۹۰۷، در دوره‌ای که مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی شان اوج گرفته بود. کارگران زن کارخانه نساجی کتان شهر نیویورک که تحت فشار بحران قرار داشتند به یادبود از پنجاهمین سالگرد تظاهرات نیویورک هشتم مارچ ۱۸۵۷، به منظور دست یافتن به حقوق انسانی شان دست به اعتصاب زدند.

صاحب کارخانه به نگهبانانش دستور داد که برای جلوگیری از پیوستن کارگران بخش‌های دیگر به اعتصاب این زنان کارگر و گسترش آن، زنان را در محل کارشان محبوس سازند. نگهبانان زنان را مطابق به دستور صاحب کارخانه در محل کارشان محبوس ساختند و بعدا به دلایل نامعلومی کارخانه آتش گرفت. قلیلی از زنان محبوس از این حادثه توانستند نجات بیابند و به تعداد ۱۲۹ تن دیگر از زنان کارگر، زنده در آتش سوختند.

آگست ۱۹۱۰

در ۲۷ آگست سال ۱۹۱۰ دومین کنفرانس سوسیالیستی بین المللی زنان در شهر کپنهاگ دانمارک برگزار می‌گردد. در این کنفرانس صد شرکت کننده از هفده کشور جهان حضور دارند. در میان آنان کلارا زتکین که یکی از رهبران حزب سوسیالیست آلمان است پیشنهاد می‌کند که روزی به عنوان روز جهانی زن تعیین شود. کنفرانس موقتا ۱۹ مارچ سال آینده را برای برگزاری روز جهانی زن تعیین می‌کند.
"مناسبت ۱۹ مارچ، با مبارزات انقلابی در سال ۱۸۴۸ علیه رژیم پادشاهی پروس بود که به عقب نشینی لفظی حکومت در نوزدهم مارچ همان سال، منجمله در مورد مطالبات زنان، انجامید."
صفحات انترنت

۱۹ مارچ ۱۹۱۱

در ۱۹ مارچ ۱۹۱۱ اولین روز جهانی زن برگزار می‌گردد. در این روز معترضینی از کشورهای دانمارک، آلمان، اتریش، سویس و امریکا در مراسم روز جهانی زن شرکت می‌کنند.
در این اولین روز جهانی زن، مطالبات اساسی زنان مطرح می‌شود. این مطالبات در برگیرندهٔ موارد زیر بودند:

۱. قوانین حمایتی کار زنان
۲. حق رأی و شرکت در انتخابات
۳. برابری مزد با مردان در مقابل کار مساوی
۴. هشت ساعت کار در روز
۵. حمایت از مادر و کودک
۶. و غیره

گفته می‌شود که "در این روز شمار زنان تظاهر کننده در اتریش به ۳۰ هزار نفر می‌رسید. نیروهای پلیس به تظاهرات حمله بردند و به زدن زنان پرداختند و گروهی را دستگیر کردند."
صفحات انترنت

۸ مارچ ۱۹۱۳

در هشتم مارچ ۱۹۱۳ ادارهٔ بین المللی سوسیالیستی زنان برای یادبود از مبارزه زنان فابریکه‌های نساجی شهر نیویورک، ۸ مارچ را بعنوان روز جهانی زن تعیین کرد. در روز ۸ مارچ ۱۹۱۳ زنان بسیاری در کشورهای اروپائی مراسم روز جهانی زن را برگزار کردند. در این تاریخ، برای اولین بار مراسم هشتم مارچ در روسیه هم تحت شرایط شدید پلیسی برگزار گردید.

۸ مارچ ۱۹۱۷

در هشتم مارچ ۱۹۱۷ در روسیه زنان در تظاهرات علیه حکومت تزار شرکت کرده و در جاده‌ها حضور پیدا کردند. تظاهرات زنان این کشور در پهلوی دیگر اعتراضات زمینه ساز انقلاب روسیه شد که در نهایت به سرنگونی حکومت تزار انجامید.

"در سال ۱۹۱۷ تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد علیه گرسنگی و جنگ و تزاریسم، بانگ آغازین انقلاب روسیه بود. کارگران شهر در پشتیبانی از این تظاهرات، اعلام اعتصاب عمومی کردند. ۸ مارچ ۱۹۱۷ به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد." صفحات انترنت

سال ۱۹۲۱

سومین کنفرانس بین المللی سوسیالیستی زنان در مسکو برگزار گردید و روز هشتم مارچ به عنوان «روز جهانی زن» در آن به تصویب رسید. این کنفرانس زنان سراسر دنیا را برای گسترش مبارزه علیه نظم موجود و برای تحقق خواسته‌هایشان فرا خواند.

هشتم مارچ ۱۹۳۶

در هشتم مارچ ۱۹۳۶ زنان در شهر برلین به تظاهرات پرداختند. و در همین روز در کشور اسپانیا در شهر مادرید نیز تظاهرات زنان بر پا شده بود. ۳۰ هزار از زنان شرکت کننده در تظاهرات شعار «آزادی و صلح» سر دادند.

هشتم مارچ ۱۹۶۹

در هشتم مارچ ۱۹۶۹ زنان در دانشگاه برکلی در امریکا گرد هم آمدند و دست به تظاهرات زدند. این زنان با گردهمائی شان در این سال علیه جنگ در ویتنام تظاهرات کردند.

سال ۱۹۷۷

در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل، در قطعنامه‌ای هشتم مارچ را با عنوان «روز حقوق زنان و صلح بین المللی» وارد تقویم رسمی خود کرد.

پژوهش های مورخین فرانسوی دربارۀ منشاء روز جهانی زن

در صفحات مجازی انترنت، پژوهشی تحت عنوان «پیدایش ۸ مارس روز جهانی زن» خواندم که از پژوهش‌های مورخان فرانسوی دربارۀ منشاء روز جهانی زن یاد کرده بود. نام نویسندۀ این نوشته منیره کیان‌وش ذکر شده است که در بالای صفحه بعد از عنوان و تاریخ نشر مطلب درج شده است.

نویسنده در این پژوهش خود، در مورد پیدایش هشتم مارچ روز جهانی زن به سه رویداد زیر اشاره می‌کند:

"الف - راجع به ۸ مارس ۱۸۵۷ چنین می‌گویند: «در این تاریخ، در آمریکا، کارگران زن کارخانه های نساجی شهر نیویورک، به دنبال یک اعتصاب در خیابان های این شهر راه پیمایی کردند و خواسته های صنفی خودشان را به گونه‌ای آشکار بیان نمودند. این خواسته ها عبارت بودند از:

۱. کاهش زمان کار روزانه (۱۰ ساعت به جای ۱۲ ساعت)
۲. برابری دستمزد زن و مرد برای کار یکسان
۳. ایجاد مهد کودک
۴. امکان ارتقاء در کار.

این راه پیمایی سبب درگیری بین پلیس و کارگران زن شد. نیروی نظامی به روی راه پیمایان تیر اندازی کرد و عده‌ای از آنان کشته شدند. «در یکی از روزنامه ها به این پیشامد نیز اشاره شده است که کارگران زنِ اعتصاب کننده قسم خوردند که هر سال در این تاریخ گردهمایی تشکیل دهند.

ب - در مورد سال ۱۹۰۸ نیز می‌گویند: «آرتور م. لویس، سخنران جنبش سوسیالیستی آمریکا، طبق روال همیشگی روزهای یکشنبه، در شیکاگو، با هم مسلکان خود گفتگو می‌کرد. بر حسب اتفاق، در ۳ می ۱۹۰۸، آرتور م. لویس غایب بود و به جای او چند سخنران دیگر این جنبش از جمله دو زن به نام‌های جرتراد برسلو هانت و مای وود سیمونس پشت تریبون رفتند و روشن و آشکار به بهره‌کشی از زنان کارگر و محروم از هر گونه حقوق، اعتراض کردند. «این مطلب نیز در گزارش جلسه که در ژوئن ۱۹۰۸ انتشار یافت ذکر شده است. همچنین در این گزارش آمده است که موضوع گفتگو در مورد مشکلات کارگران زن بود و پس از بحث و گفتگو جلسه به طور آرام به پایان رسید.

پ - در مورد رویداد سوم نیز چنین روایت شده است: «کمیتۀ ملی زنان سوسیالیست آمریکا، در آخرین یکشنبۀ ماه فوریه ۱۹۰۹ راه پیمایی به نامِ «روزِ زن»، جهت درخواست حق رأی زنان و نسخ تبعیض جنسی ترتیب داد.»

نویسنده این مطلب پژوهشی، منیره کیان‌وش بعد از بیان این سه مورد اینگونه ادامه می‌دهد:

"در ۲۸ فوریه همان سال، در نیویورک و حومۀ آن، دست کم پنج میتینگ بر پا شد. از شرحی که روزنامه‌ها در مورد این گردهمایی‌ها داده اند، پی برده می‌شود که شرکت کنندگان «خواستار حق رأی زنان و مبارزه برای سوسیالیسم» بودند. از نوامبر ۱۹۰۹ تا فوریه ۱۹۱۰ کارگران پیراهن دوز، که بین بیست تا سی هزار نفر بودند، در «اعتراض به شرایط کاری شان»، در شهر نیویورک، اعتصاب کردند. هشتاد درصد از اعتصاب کنندگان زن بودند. با توجه به تعداد چشمگیر زنان، این اعتصاب را بیشتر «جنبش زنان» توصیف می‌کنند تا «جنبش کارگری». رویدادهای یاد شده در نوشته های گوناگون تکرار می‌شدند و می‌شوند و

گاهی نیز در تفسیرها شاخ و برگ‌هایی هم به آن‌ها می‌افزایند. به گونه‌ای که برای خواننده این پرسش پیش می آید که کدام یک از این رویدادها به درستی با «۸ مارس روز جهانی زن» در پیوند است؟ آیا ۸ مارس واقعیت دارد و یا افسانه‌ای بیش نیست؟"

با طرح این سوال، نویسنده این پژوهش به پژوهش‌های تعدادی از مورخین فرانسوی اشاره می کند و چنین توضیح می‌دهد:

"پژوهش‌های تعدادی از مورخین فرانسوی دربارهٔ سرآغاز «روز جهانی زن» که در سال ۱۹۷۷ انتشار یافت، نشان می‌دهد که هیچ گونه سندی مبنی بر روز ۸ مارس ۱۸۵۷ (که یک یکشنبه بود) (رویداد الف)، در اسناد تاریخی فمینیستی آمریکا، در کتاب‌های جنبش کارگری و در روزنامه‌های آمریکایی آن زمان یافت نمی‌شود. به گفتهٔ این پژوهشگران، رویداد ۱۹۰۸ (رویداد ب) تنها یک گردهم آیی عادی سوسیالیست‌ها بود که آرام نیز برگزار شد. رویداد ۱۹۰۹ (رویداد پ) همچنین در رابطه با درخواست حق رأی زنان، نسخ تبعیض جنسی و اعتراض به شرایط کاری بود و ربطی به «روز جهانی زن» نداشت. این نکات، در دههٔ ۱۹۸۰، توسط پژوهشگران آمریکایی و کانادایی نیز تأیید شده است."

منیره کیان‌وش، در اینجا پرسش اساسی اش را اینگونه طرح می‌کند:

"بنابراین «روز جهانی زن» در چه زمانی و چگونه به وجود آمد؟"

اکنون او میکوشد تا به سوال خودش جوابی بیابد و برای یافتن جواب، استدلال زیر را ارائه می‌کند:

"طبق اسناد موجود، در سال ۱۹۱۰، دومین کنفرانس جهانی زنان سوسیالیست، به پشتیبانی سازمان‌های سیاسی و سندیکاهای کارگری، در شهر کپنهاگ (دانمارک)، به مدیریت کلارا زتکین، روزنامه نگار آلمانی، تشکیل شد. در این کنفرانس، کلارا زتکین، بدون این که اشاره ای به دوزندگان نیویورکی و یا ۸ مارس بکند، ایجاد «روز جهانی زن» را پیشنهاد کرد. هدف وی از این پیشنهاد به دست آوردن اجازهٔ حق رأی زنان بود. در قطعنامهٔ کنفرانس، تاریخی برای این روز تعیین نشد. طبق پژوهش‌های انجام شده، به دنبال این کنفرانس «روز جهانی زن» برای نخستین بار مطرح گردید.

نکتهٔ قابل توجه این است که: پس از بازگشت به آمریکا، مای وود سیمونس، سرپرست گروه زنان سوسیالیست آمریکایی شرکت کننده در این کنفرانس، مطلبی در مورد حضور زنان کشورش در این جلسه ارائه داد. او بدون کوچک ترین اشاره‌ای به پیشنهاد «روز جهانی زن»، تنها یک کپی از دستور جلسهٔ کنفرانس (که در آن پیشنهاد روز جهانی زن درج شده بود) به گزارش خود ضمیمه کرد.

تصمیم دیگری که در این کنفرانس نیز گرفته شد، عبارت بود از ایجاد گروه های زنان سوسیالیست در همهٔ نقاط که هر گونه ائتلاف با فمینیست‌های بورژوا را رد می‌کرد. بنابراین، چنین تصمیم گیری نشانگر آن است که «روز جهانی زن» که شامل همهٔ زنان می‌شود، در ابتدا جنبهٔ عقیدتی داشته است؛ زمانی که فمینیسم و سوسیالیسم توافق چندانی با یکدیگر نداشتند.

به دنبال ابتکار کلارا زتکین، در سال ۱۹۱۱، برای نخستین بار، بزرگداشت «روز جهانی زن» (که در رابطه با تجمعات زنان سوسیالیست بود)، در کشورهای آلمان، اتریش، دانمارک، سویس و ایالات متحدهٔ آمریکا، با شور و هیجان بی سابقه‌ای بر پا شد. در این روز بین چهل و دو تا چهل و پنج میتینگ (برابر با داده های گوناگون) همزمان در شهر برلن بر پا شد و بیش از یک میلیون زن (و مرد - طبق سند سازمان ملل) در این کشورها راه‌پیمایی کردند که از این عده سی هزار نفرشان در شهر وین (اتریش) بودند."

در این قسمت منیره کیان وش به بزرگداشت روز جهانی زن در روسیه می‌پردازد، که در زیر با هم می‌خوانیم:

"در روسیه، بزرگداشت «روز جهانی زن» چهرهٔ دیگری به خود گرفت. زنان سوسیالیست، در ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴، بزرگداشت «روز جهانی کارگران زن» را برگزار کردند. در ۸ مارس ۱۹۱۷ (برابر با ۲۳ فوریه گاهنامهٔ روس)، زنان کارگر کارخانه های نساجی، در پتروگراد، تظاهرات شگرفی علیه قحطی، استبداد تزاری و جنگ جهانی اوّل بر پا کردند و خواستار صلح، برگشت شوهران‌شان از جبهه و برقراری حکومت جمهوری شدند. در

مقابل این تظاهرات، پلیس به خود اجازه نداد با تظاهر کنندگان به مقابله برخیزد. به دنبال اعتراض زنان، مردان کارگر نیز جهت همبستگی با آن‌ها و همچنین به علّت شرایط دشوار زندگی به صف تظاهر کنندگان زن پیوستند. در مورد تظاهرات زنان کارگر در ۱۹۱۷، الکساندرا کولونتای، فعال سیاسی، کمونیست و فمینیست اظهار داشت: «روز کارگران زن در حافظهٔ تاریخ به یادگار ماند.» و تروتسکی آن را «نخستین روز انقلاب» خواند.

پس از آن، بنا بر پیشنهاد لنین، از ۱۹۲۱، در اتحاد جماهیر شوروی، یاد بود «جنبش جهانی کمونیستی» را هر ساله در ۸ مارس برگزار می‌کردند. برخی از پژوهشگران بر این باورند که انگیزهٔ لنین از این تصمیم تجلیل از جنبش کارگران زن بوده است. به این سبب این روز را «روز جهانی زنان» می‌نامند.

آن چه که مسلم است و تاریخ‌دانان و پژوهشگران نیز بر آن اذعان دارند، تاریخ ۸ مارس در رابطه مستقیم با پیشنهاد یاد شده لنین است و هیچ گونه پیوندی با افسانهٔ ۸ مارس ۱۸۵۷ ندارد.“

اکنون منیره کیان وش پرسش دیگری را طرح می‌کند:

”پرسش دیگری که پیش می‌آید این است که:
پس سال ۱۸۵۷ از روی چه انگیزه ای انتخاب شده است؟“

اکنون منیره کیان وش برای جواب سوال فوق به صورت زیر جواب می‌دهد:

”در این زمینه اختلاف نظرهایی بین کارشناسان وجود دارد و هنوز به یک نتیجه قطعی دست نیافته اند. تعدادی از پژوهشگران انتخاب سال ۱۸۵۷ را در رابطه با سال تولد کلارا زتکین می‌دانند (تاریخ تولد او ۵ ژوئیه ۱۸۵۷ بود). به نظر آن‌ها، در سال‌های ۱۹۵۰ (زمان جنگ سرد بین بلوک‌های شرق و غرب)، فمینیست های آمریکایی بر آن شدند که ضمن قدردانی از این روزنامه نگار آلمانیِ پیشرو انتخاب «روز جهانی زن» را به کشور خود نسبت دهند.

پس از جنگ جهانی دوم، به طور معمول، بزرگداشت «روز جهانی زن» در ۸ مارس برگزار می‌شود. سازمان ملل متحد، سال ۱۹۷۵ را سال جهانی زن و سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را دههٔ ملل متحد برای زنان نامید. این سازمان، بزرگداشت «روز جهانی زن» را برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ (همانطور که گفته شد، سال جهانی زن نیز بود)، در ۸ مارس برگزار کرد. دو سال بعد، در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تمام کشورهای جهان خواست تا شرایط لازم را جهت رفع تبعیض بین زن و مرد و برابری اجتماعی و حقوقی را بین آن‌ها فراهم سازند (مصوبه ۳۲ / ۱۴۲). این سازمان همچنین از کلیه دولت‌های عضو دعوت کرد تا بر حسب شرایط تاریخی و فرهنگی کشورشان یک روز در سال را به نام «روز ملل متحد برای حقوق زنان و صلح جهانی» در نظر بگیرند. بدینسان، مجمع عمومی این سازمان نقش زنان را در پیشرفت‌های اجتماعی و برقراری صلح در جهان به رسمیت شناخت.“

نتیجه گیری:

نتایج حاصله از این پژوهش را قرار زیر دسته بندی می‌کنم:

قرن نوزدهم

۱. دوره‌ای بود که انسان با جهش در ابزار سازی توانست که خود را از اسارت نیروهای طبیعت برهاند.
۲. انسان با انقلاب صنعتی از قید طبیعت آزاد شد اما بندهایش محکمتر از قبل گردید. زیرا انقلاب صنعتی حکمرانی را از طبیعت گرفت و به کسی منتقل کرد که نه بخودش رحم می‌کند و نه هم به طبیعت.
۳. قرن نوزدهم را باید هم قرن پایمال شدن ارزش‌ها دانست و هم قرن دفاع از ارزش‌ها به حساب آورد.
۴. انقلابیونی که انقلاب صنعتی را ایجاد کردند خود از اولین قربانیان آن بوده اند. علتش را شما بیابید! منظورم عوامل انسانی تولید است.

هشتم مارچ (روز جهانی زن)

در مورد هشتم مارچ «روز جهانی زن» اظهار نظرهای مختلفی وجود دارد، و دست یافتن به منشاء اصلی این روز کاری سخت است، چون مستلزم یک کار پژوهشی عمیق و پر دامنه می‌باشد. به بعضی از این اظهار نظرهای مختلف بطور مختصر اشاره می‌کنم:

۱. عده ای منشاء این روز را حرکت اعتراضی کارگران زن نساج و خیاط در شهر نیویورک امریکا در سال ۱۸۵۷ می‌دانند.

۲. بعضی منشاء اصلی روز جهانی زن را به سال ۱۹۰۷ مربوط می‌دانند. می‌گویند در این دوره مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی شان اوج گرفته بود و کارگران زن کارخانه نساجی کتان شهر نیویورک دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و در آتش‌سوزی که در کارخانه بدلیل نامعلومی رخ داد تعداد ۱۲۹ تن آنان زنده در آتش سوختند. و این واقعه باعث گردید تا هشتم مارچ اهمیت پیدا کند.
۳. عده ای دیگر ادعا می‌کنند که پژوهش‌هایشان نشان داده است که این روز در سال ۱۹۰۸ در گردهم‌آیی فعالین جنبش سوسیالیستی در امریکا اهمیت یافت.
۴. بعضی دیگر، ایجاد روز جهانی زن را مربوط به پیشنهاد کلارا زتکین یکی از رهبران حزب سوسیالیست آلمان می‌دانند و بر این باورند که تلاش‌های وی در این باره موثر بوده است.
۵. عده ای تعیین ۸ مارچ را به عنوان روز جهانی زن به تصمیمات اداره بین‌المللی سوسیالیستی زنان در هشتم مارچ ۱۹۱۳ نسبت می‌دهند.
۶. عده ای دیگر آن را به سومین کنفرانس بین المللی سوسیالیستی زنان که در مسکو برگزار گردید ارتباط می‌هند. و می‌گویند که این کنفرانس روز هشتم مارچ را به عنوان روز جهانی زن به تصویب رساند.
۷. برخی از پژوهشگران می گویند تعیین ۸ مارچ به عنوان روز جهانی زنان در رابطه مستقیم با پیشنهاد لنین است و هیچگونه پیوندی با افسانۀ ۸ مارچ ۱۸۵۷ ندارد.
۸. و بسیاری هم روز جهانی زن را از آنجهت روز بین المللی زنان می‌دانند که در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل، در قطعنامه‌ای هشتم مارچ را با عنوان «روز حقوق زنان و صلح بین المللی» وارد تقویم رسمی خود کرد.

این بود قسمتی از بحث‌ها و اظهار نظرهایی که پیرامون روز ۸ مارچ «روز جهانی زن» از لابلای برگ‌های تاریخ توانستم بیابم.
این یافته‌ها در مجموع و در آخر کار مرا به جمعبندی کلی از این روز و اهمیت آن واداشت، بنابراین سعی کردم تا در پایان این پژوهش، نتیجه‌گیری خودم را داشته باشم. نتیجه‌گیری که با چند جمله بطور کامل بیان گردد و بطور کامل دستاورد مرا نشان دهد.
این نتیجه‌گیری همانگونه که ذکر کردم در چند جمله بصورت زیر فرموله شده است:

۱. مهم نیست که هشتم مارچ ساخته و پرداختۀ کیست. مهم پیامی است که این روز هر ساله آنرا برای ما تکرار می‌کند. مهم هدفی است که این روز هر ساله ما را برای آن فرا می‌خواند.
۲. هشتم مارچ روز جهانی زن نیست. خواست جهانی عدالتی است که زنان آنرا فریاد می‌کنند.

«هشتم مارچ، خواست جهانی عدالت»
من این روز را گرامی می‌دارم،
اما به گونه‌ای دیگر.

نویسنده و پژوهشگر: یما حمید
۱۸ مارچ ۲۰۱۶

منابع:

۱. اشعار زنده یاد نادیا انجمن
۲. نگاهی به تاریخ جهان، جلد دوم
۳. سایت ویکی پدیا، دانشنامه آزاد
۴. افغانستان در مسیر تاریخ
۵. روزنامه های دنیای اقتصاد
۶. مروری بر تاریخ امریکا
۷. بحران‌های سرمایه داری
۸. سایت ستاد حقوق بشر ایران
۹. جنگ‌های جهانی اول و دوم
۱۰. مقاله های سایت ها و وبلاگ های انترنتی گوناگون

پیشنهاد کتاب:

در زمینه مطالعات تاریخی، دورۀ سه جلدی "نگاهی به تاریخ جهان" نوشتۀ جواهر لعل نهرو را برای شما پیشنهاد می‌نمایم. در این پژوهش جلد دوم نگاهی به تاریخ جهان مرا کمک بسیار کرد. کتاب نگاهی به تاریخ جهان را جواهر لعل نهر بصورت نامه های جداگانه برای دختر ۱۰ ساله اش از درون زندان نوشته است که مجموعا به تعداد ۱۹۶ نامه می‌باشد. این نامه ها فوق‌العاده آموزنده می باشند. یما

تحلیل و تعریف محیط زیست

نویسنده: یما حمید ۱۳۹۴/۱۲/۰۹

برای فهم و شناخت یک شئی، یک پدیده و یا یک مسئله باید کوشید تا تعریفی درست از آن را ارائه کرد. تعریف محیط زیست از نظر لغوی ساده است، زیرا این اصطلاح از دو لغت تشکیل شده است. یکی لغت محیط و دیگری لغت زیست که اگر این اصطلاح محیط زیست را ساده بسازیم و دو لغت را به یک لغت تبدیل کنیم می‌شود زیستگاه یعنی جای زیست، جای زندگی کردن. اکنون برای وضاحت بیشتر هر یک از دو لغت محیط و زیست را معنی می‌نمائیم:

محیط: احاطه کننده، فرو گیرنده. خطی که دور دایره را فرا گیرد. چیزی که اطراف چیز دیگر را بگیرد. جایی که انسان در آن زندگانی می کند اعم از کشور یا شهر یا جامعه یا خانواده. به معنی اقیانوس هم می گویند. **زیست:** زیستن، زندگانی، زندگی.[فرهنگ عمید]

این کالبد شکافی اصطلاح محیط زیست از نظر لغوی بود و اما از نظر مفهومی و اصطلاحی تعریف محیط زیست تفاوت می کند. چون اصطلاح محیط زیست تنها بیانگر موجودیت چیزهای احاطه کننده یا محل زندگی و زیست نیست، بلکه بیان کننده موضوعی فراتر از آن است. و آن مسئله ارتباط متقابل دائمی تمامی اجزا موجود در یک فضای معینی است که در آن زندگی جریان دارد. اصطلاح محیط زیست به ما می گوید که این اجزا و عناصر و موجودات حیه و غیر حیه همه و همه با هم در ارتباط هستند و بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می پذیرند. در واقع این اصطلاح، بیان کنندۀ نیازمندی های حیات و ارزش های موجود برای رفع این نیازمندی ها می باشد. محیط زیست به ما می فهماند که حیات پروسه و جریان مستقلی نیست. بلکه وابسته به محیطی است که زمینه های پیدایش، رشد و شکوفائی آنرا در خود دارد. حیات یا زیست نمی تواند بدون موجودیت یک محیط مساعد وجود داشته باشد.

از این بحث چنین نتیجه می گیریم که حفظ محیط زیست از مهمترین موضوعاتی است که باید بدون هیچ عذر و بهانه‌ای در اولویت قرار داشته باشد. هیچ برنامه ای بدون در نظر داشت حفظ محیط زیست نمی‌تواند جایز باشد.

تعریف محیط زیست باید تعریفی باشد که تمامی مسائل ذکر شده در فوق را بیان کند. من محیط زیست را اینگونه تعریف می‌کنم:

محیط زیست فضای معینِ متشکل از انبوه اجزا و عناصر و موجودات حیه و غیر حیه که متأثر از هم بر اثر ارتباط متقابل دائمی هستند.[یما]

و بصورت کوتاه تر و ساده تر محیط زیست را اینچنین تعریف می‌کنم:

محیط زیست در برگیرندۀ تمامی آن چیزهای مرتبط و متأثر است که در درون شان زندگی جریان دارد.[یما]

محیط زیست را به سه بخش کلی تقسیم کرده اند:

1. **محیط زیست طبیعی**
2. **محیط زیست اجتماعی**
3. **محیط زیست انسان‌ساخت**



محیط زیست سالم

و تاثیرات اقتصادی آن



محیط زیست سالم، محیطی است که عاری از آلوده‌گی باشد و باشنده‌گان آن محیط با سرزنده‌گی بیشتری زندگی نموده و از صحت خوبی برخوردار باشند. محیط زیست سالم را باید به عنوان مهمترین موضوع در بودوباش انسانها در نظر گرفت. اگر به تاریخ نظری بیندازیم دو مورد از عمل انسان‌ها را در رابطه با محیط زیست می‌بینیم:

۱. انسانها در هر محیطی که زندگی کرده اند در برخورد با طبیعت و محیط زیست شان تأثیر گذاری و تأثیر پذیری داشته اند و در جریان این برخورد با آن کوشیده اند تا آنرا بهتر بسازند اگر چه در این میان، سود طلبانی هم دیده می‌شوند که برای کسب سود از تخریب محیط زیست ابائی نورزیده اند، که متأسفانه این دستهٔ دوم که اقلیت اند همیشه تخریب کرده اند و دستهٔ اول در صدد ترمیم برآمده اند.

۲. هر زمانی که انسان‌ها ناتوان از تغییر محیط زیست خود بوده اند و با اینکه سعی کردند و اما در مقابل نیروی های ویرانگر و تخریب کننده عاجز آمدند از همان قرن ها پیش همواره تلاش نمودند تا با کوچ از محیط نامساعد به محیط مساعد، زندگی بهتر و سالمتری را داشته باشند.

محیط زیست یکی از عمده ترین منابعی است که به طریقه های متعددی میتوان از آن استفاده های بسیاری کرد. موردهای استفاده آن بسیارند، مثلا شامل صحت، اقتصاد، تفریح، پرورش گونه های نباتی و حیوانی و غیره می باشند. برای داشتن یک محیط زیست سالم میتوان از ایجاد فضاهای طبیعی، کاشتن درختان، استفاده درست از تجهیزات صنعتی برای جلوگیری از آلوده‌گی‌ها، کاشت گل و گیاه، فرهنگ شهر نشینی، آگاهی و اطلاعات بروز شده زیست محیطی و غیره نام برد.

لازمه های یک محیط زیست سالم در بعضی از کشورها بصورت طبیعی وجود داشته و فقط نیاز به تلاش مردم دارد تا آن را سالم نگهدارند و هر قدر که تلاش بیشتری برای بهتر و بهترین شدن آن صورت گیرد به همان اندازه اثرات صحی و اقتصادی مطلوب خواهد داشت. از آنجائیکه موضوع مورد بحث ما تاثیرات اقتصادی محیط زیست سالم است، در نخست باید بگویم که: علم اقتصاد، یکی از علوم

اجتماعی می باشد که رابطه متقابل و نزدیک با محیط زیست دارد. بطور مثال: از یک طرف محیط زیست سالم و فضای عاری از آلوده گی، و از طرف دیگر علاقه انسانها به همچون محیط ها، باعث میگردد تا نظرها بسویش جلب شود. این جلب نظرها، مهاجرت ها را افزایش میدهد و این مهاجرت ها تاثیرات بسیار مثبتی را در اقتصاد ببار خواهد آورد (در بحث کشورها)، اجازه دهید این موضوع را گسترش دهیم. زمانی که سطح مهاجرت ها افزایش یافت، مصرف نهایی خانواده‌ها در آن محیط زیاد شده که تاثیراتی را بالای تقاضای کالاها و خدمات و نهایتا GNP کشور خواهد داشت.

به این ترتیب با داشتن محیط زیست سالم میتوان مزیت رقابتی بهتری را پیدا کرد و در جذب سرمایه گذاری‌ها نقش خوبی را ایفاء نمود. زیرا بسیاری از سرمایه گذاری ها در محیط های سالم رشد کرده و سطح درآمدی بلندتری را بوجود می آورند.

محیط زیست سالم یعنی سلامتی و صحتمندی جسمی و ذهنی افراد آن محیط! با داشتن چنین محیطی بازدهی نیروی کاری افزایش می یابد. اگر در سطوح پایین بنگریم، نیروی کارگر قوی و سالم بازدهی بیشتری را نسبت به سایر کارگران دارد. حتی چندین برابر! در سطوح بالاتر و مدیریتی، محیط زیست سالم ذهن و افکار بهتری را پرورش می دهد و زمینه ساز رشد و گسترش سازمانها و تصدی‌ها خواهد شد.

محیط زیست سالم را همواره در کشورها مشاهده کرده ایم و عملا تفاوت بین محیط ها را درک کرده ایم که کشورهای با محیط سالمتر بازدهی بیشتر اقتصادی را از آن خود کرده و به عنوان یکی از عوامل کلیدی در بوجود آوردن ثروت بوده است. یک نکته را باید یادآور شوم اینکه: در نهایت محیط زیست سالم اثرات خوبی را ببار می آورد ولی از جنبه اقتصادی آن و اینکه به عنوان عامل و منبعی قوی برای ایجاد درآمد باشد، بستگی به سیستم اقتصادی اجتماعی و ذهنیت افراد و پالیسی‌های سازمان‌های آن محیط دارد، که چگونه میتوانند حداکثر استفاده را به نفع حداکثر نفوس آن جامعه یا محیط با توجه به حفظ محیط زیست ببرند.

مثال ها و توضیحات فوق در دو جنبه مدیریت و اقتصاد (کلان، خرد) بوده که از جنبه های دیگر میتوان به ایجاد تفریحگاه ها مثال زد. یکی دیگر از جنبه های اقتصادی و همزمان تفریحی برای مردم ایجاد تفریحگاه می باشد. کشورهای زیادی وجود دارند که سالانه سهم زیادی از GDP کشورشان را تفریحگاه و آبدات تاریخی در بر می‌گیرد. بناً با ایجاد محیط‌های تفریحی سبز و سالم میتوان درآمد خوبی را کسب کرد. و نیز از لحاظ فرهنگی مطلوبیت خوبی را برای زیبایی مناطق مسکونی ببار آورد.

ایجاد شغل و کارآفرینی، یکی دیگر از تاثیرات محیط زیست سالم است، چرا که در محیط زیست سالم و انگیزه بودوباش در چنین محلاتی که شادی و مسرت ببار می‌آورد، دلیلی برای کسب و کار شده و انبوهی از مارکت ها و فروشگاه ها بوجود خواهد آمد.



نویسنده:
سیدرفیع حسینی
۱۳۹۴/۱۲/۰۷

تعریف مختصر اصطلاحات GNP و GDP

نویسنده: سید متین حسینی ۱۳۹۴/۱۲/۱۴

تولید ناخالص داخلی (GDP (Gross domestic Product

GDP عبارت از یک مقیاس اندازه گیری دراقتصاد کلان است و در برگیرنده ارزش مجموع کالا و خدمات نهایی در یک جغرافیای معین (معمولا یک کشور) در یک زمان معین (عمدتا یک سال)، به قیمت مارکت [۱] میباشد.

در تولید ناخالص داخلی یک کشور می‌تواند مجموع کالا و خدمات تولید شده مربوط به اتباع آن کشور و یا افراد خارجی باشد و نیز GDP یک کشور میتواند کمتر و یا بیشتر از یک سال محاسبه گردد، مثلا در کشور ترکیه شاخص های اقتصادی [۲] آن در هر سه ماه سنجش می‌شود و در افغانستان در طول یک سال محاسبه می‌گردد.

تولید ناخالص داخلی یا GDP را میتوان به طریقه های مختلف محاسبه نمود و یکی از آنها روش ارزش افزوده است قسمی که:

تولید ناخالص داخلی = مصارف خصوصی + مصارف دولتی + سرمایه گذاری + خالص صادرات (صادرات - واردات).

GDP = C (consume) + G (government) + I (investment) + (X – M) (export – import)

شاخص های اقتصادی افغانستان از طرف دفتر احصائیه مرکزی افغانستان [۳] سالانه ارزیابی می‌شود.

سال	تولید ناخالص داخلی به میلیون افغانی
۱۳۹۰	۴۲۰,۵۱۹
۱۳۹۱	۴۶۶,۴۸۱
۱۳۹۲	۴۹۶,۶۹۰
۱۳۹۳	۵۰۷,۳۶۲

تولید ناخالص ملی (GNP (Gross National Product

تولید ناخالص ملی از جمله شاخص های کلان اقتصادی است که عبارت از ارزش مجموعی کالا وخدمات نهایی تولید شده توسط اتباع یک کشور دریک زمان معین می‌باشد.

تولید ناخالص ملی ارتباط مستقیم با پشتوانه پولی یک کشور دارد زیرا هر قدر GNP یک کشور افزایش یابد پشتوانه پولی آن کشور نیز ارزش زیادتر پیدا میکند.

کشورهایی مانند: ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی دارای پشتوانه قوی پولی هستند زیرا قدرت تولیدی بزرگ در سرتاسر جهان دارند.

در محاسبه تولید ناخالص ملی درآمد افراد در خارج از کشور که به کشور باز فرستاده می‌شود با تولید ناخالص داخلی جمع می‌شود و درآمد افراد خارجی مقیم آن کشور که درآمد خود را به خارج می‌فرستند از آن کاسته می‌شود.

تولید ناخالص ملی = تولید ناخالص داخلی + (دریافت از خارج - پرداخت به خارج)

GNP = GDP + (Input – Output)

در محاسبه تولید ناخالص ملی موارد ذیل شامل نمی‌شود:

۱. کارهای خانه و خانه داری
۲. مراقبت از سالمندان و مریضان در خانه
۳. کارهای غیر قانونی (زیر زمینی)

از جمله انتقادهای که بر سر نحوه محاسبه تولید ناخالص ملی می‌باشد عبارت از موارد فوق است زیرا می‌تواند نقش موثر در ازدیادGNP یک کشور داشته باشد مخصوصا کشورهایی وجود دارد که ۶۰٪ از تولیدات آن از طریقه‌های غیر قانونی یا فعالیت‌های زیر زمینی صورت می‌گیرد.

در مورد شاخص تولید ناخالص ملی افغانستان معلومات دقیقی از طرف دفتر احصائیه مرکزی داده نشده است.

---

۱. **قیمت مارکت:** عبارت از حد اوسط قیمت یک کالا یا خدمات می‌باشد و به آن قیمت بازار هم یاد می‌کنند.

۲. **شاخص های اقتصادی:** مانند: تعیین سطح بیکاری، سطح تورم، تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی، درآمد ملی و . . .

۳. **اداره احصائیه مرکزی افغانستان:** این اداره در سال ۱۳۵۱ ه ش. تأسیس شده است. هدف از این اداره ایجاد سیستم واحد علمی ثبت احصائیوی، تامین هماهنگی و انسجام تمام فعالیت‌های احصائیوی در کشور می‌باشد و منحیث اداره مستقل دولتی فعالیت می‌نماید. آدرس آن واقع در چهارراهی آریانا، انصاری وات. کابل/ افغانستان.

ویب سایت: www.cso.gov.af

نیکویی را نیکو داشته باشیم

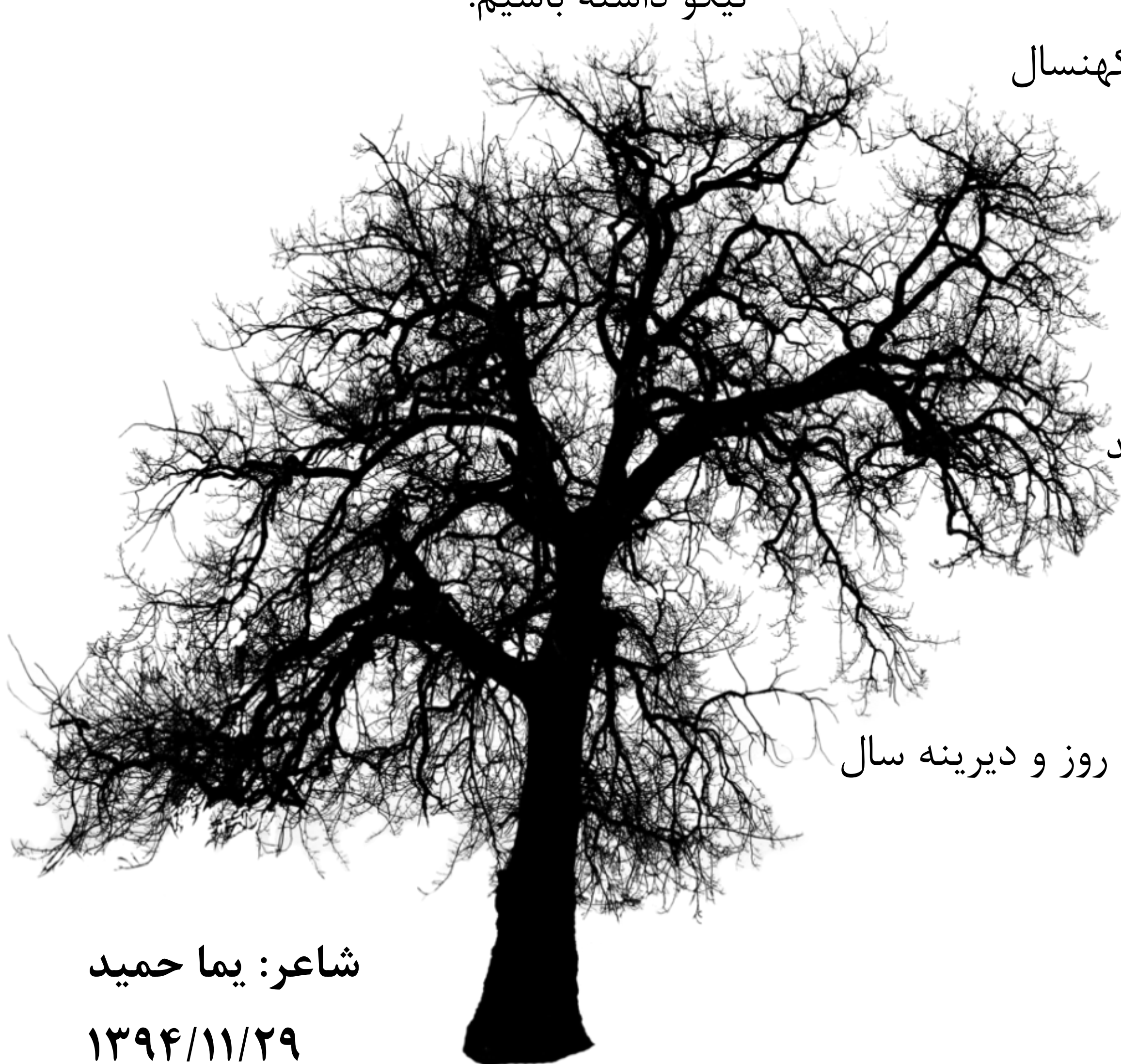
سرد است
صدایی در باغ نیست
باغبان پیر بنشسته
پای درخت تنومندِ کهنسال

تن درخت گرم
از تکیه باغبان پیر
دل باغبان گرم
از استواری درخت کهنسال

هر دو،
باغبان و درخت
درخت و باغبان
تا به اینجا رسیده اند
خزان‌ها دیده اند
باغبان کارندۀ بردبار
و درخت آورندۀ بار
این دو رفیق دیرینه روز و دیرینه سال
نیکوئی را
نیکو داشته اند.

یادمان باشد
در این فصل سرد
در باغچه دل مان
مهری کاشته باشیم
ما نیز هر یک
درختی داشته باشیم.

یادمان نرود
که ما نیز باغبان باشیم
به دست خویش نهالی کاشته باشیم
و نیکویی را
نیکو داشته باشیم.



شاعر: یما حمید

۱۳۹۴/۱۱/۲۹

به دست خود درختی می‌نشانم



به دست خود درختی می نشانم
به پایش جوی آبی می کشانم

کمی تخم چمن بر روی خاکش
برای یادگاری می فشانم

درختم کم کم آرد برگ و باری
بسازد بر سر خود شاخساری

چمن روید درآنجا سبز و خرم
شود زیر درختم سبزه زاری

به تابستان که گرما رو نماید
درختم چتر خود را می‌گشاید

خنک میسازد آنجا را ز سایه
دل هر رهگذر را می رباید

به پایش خسته ای بی حال و بی تاب
میان روز گرمی می رود خواب

شود بیدار و گوید ای که اینجا
درختی کاشتی، روح تو شاداب

شاعر: عباس یمینی شریف



چرا درختان؟

مترجم: الیاس عادل

سخاوت درختان

- درختان با جذب کاربن دای اکساید و تولید اکسیژن هوای ما را تصفیه می‌کنند و آنرا تازه نگه می‌دارند.
- ریشه درختان خاک را ثابت نگه می‌دارند و از فرسایش خاک جلوگیری می‌کنند.
- درختان با کند کردن و تصفیه کردن آب باران و همچنان محافظت از آب های زیر زمینی و آبخیزها, کیفیت آب را بالا می‌برند.
- درختان ذخیره گاه کاربن هستند؛ آنها در حین رشد کاربن را ذخیره می‌کنند و به محض رشد کامل به مثابه انبار ثابت کاربن عمل می‌کنند.
- سه چهارم از مردم جهان وابسته به چوب بعنوان منبع سوخت اصلی هستند.
- هزارها نوع کالا مانند؛ لوازم خانه، کتاب ها، روزنامه ها، خانه ها، چوب های بازی، گیتارها، پنسل‌ها، حصارها، کارتن های شیر و حتی رنگ ناخن و کرم دندان از چوب ساخته می‌شوند.
- درختان فشار هوا را تنزیل داده و از طریق تبخیر توسط برگها باعث بارندگی می‌شوند.
- درختان برای انسانها و حیات وحش غذا، سایه و پناهگاه آماده می‌کنند.
- درختان با جلوگیری از باریدن مستقیم و رو به پائین باران، برف، ژاله و تگرگ زمین را محافظت نموده و نیز خیزش طوفان و امکان سیلاب زدگی را کاهش می‌دهند.
- درختان به عنوان موانع صدا برای کاهش آلودگی صوتی عمل می‌کنند.
- درختان نقش مهمی در کمک به حفظ شدت میدان مغناطیسی زمین ایفا می‌کنند.
- درختان چشم اندازها و مناظر را زیبا می‌سازند.

حقایق باور نکردنی در مورد درختان

قدیمی ترین

- قدیمی ترین درخت در پارک ایالتی پرری گریک رد وودز کلیفورنیا یافت شده است، اعتقاد بر این است که این درخت ۱۲۰۰۰ سال عمر داشته باشد، هر چند بعضی به این باور اند که ۷۰۰۰ سال سن دارد، که در این صورت هم کهن سال‌ترین درخت محسوب می‌شود.

کند ترین

- یک درخت سرو سفید که در ناحیه گرَیت لَیکس (Great Lakes) کانادا موقعیت دارد، در طول عمر ۱۵۵ ساله خود فقط کمتر از ۴ اینچ رشد کرده است. (۱۰سانتیمتر - مترجم).

بلند ترین

- در سال ۱۸۷۲ میلادی، یک درخت اوکالیپتوس استرالیایی در واتس ریور (Watts River)، در منطقه ویکتوریای استرالیا گفته شد که تا ۴۳۵ فوت (۱۳۲.۵ متر) اندازه گیری شده است. اما اینطور تصور می شود که احتمالا این درخت در یک دوره از زندگی خود بیشتر تا ۵۰۰ فوت (۱۵۲.۵ متر) اندازه شده است.
- بلندترین درخت زنده یک درخت ماموت (درخت غول) ساحلی می‌باشد که بنام درخت مندوسینو شناخته شده است، و در مونتگومری استیت رزرو در کالیفورنیا یافت شده است. این درخت، که بیشتر از ۱۰۰۰ سال عمر دارد، اضافه تر ۳۶۷ فوت و ۶ انچ (۱۱۲ متر) قد دارد و هنوز در حال رشد است.

عظیم‌ترین

- درخت "لیندزی کریک"، یک درخت ماموت ساحلی با

تنه‌ای به حجم حداقل ۹۰۰۰۰ فوت مکعب (۲۵۴۹ متر مکعب) و با حداقل وزن مجموعی ۳۶۳۰ تن سنگین‌ترین درخت تا قبل از فرو غلطیدن در توفان سال ۱۹۰۵ محسوب می‌شد. سنگین ترین درخت زنده "جنرال شرمن"، یک نوع درخت کاج سرخ عظیم جثه می‌باشد که در پارک ملی درختان کاج (سکویا) در کالیفورنیا پیدا شد، این درخت دارای ۲۷۵ فوت (۸۴ متر) بلندی و قطر ۱۰۲ فوت و ۸ انچ (۳۱ متر) می‌باشد.

عمیق ترین ریشه ها

- یک درخت انجیر وحشی در قار طنین (ایکو کَیوز Echo Caves)، نزدیک اریگستاد، امپوملنگا، در آفریقای جنوبی ریشه هایی بالغ بر ۴۰۰ فوت (۱۲۲ متر) دارد که آنرا عمیقترین، ریشه درخت که ریشه دوانده می‌سازد.

تیزترین رشد

- در سال ۱۹۷۴، ملاحظه گردید که یک درخت البیزیا فالکتا در صباح، مالیزیا در ۱۳ ماه ۳۵ فوت و ۳ اینچ (۱۱ متر) رشد نموده بوده است: تقریبا ۱.۱ اینچ (۳ سانتیمتر) در هر روز.

بزرگترین قطر

- در اواخر قرن ۱۸ میلادی یک درخت شاه بلوط اروپایی بنام درخت صد اسب در کوه ایتنا در سیسیلی، ایتالیا ۱۹۰ فوت (۵۸ متر) محیط (محیط دایره) داشت. از آن پس به سه بخش جدا شده است.

خطرناک ترین

- درخت انجیر زهری (منچینیل Manchineel) سواحل کرابیَن و باتلاق‌های فلوریدا گونه ای است که شیره ای سمی و اسیدی استثنایی ترشح می‌کند. به محض برخورد با پوست، ناگهان بر سطح پوست تاول واقع خواهد شد. در مواقعی که با چشم در تماس شود، امکان می‌رود یکنفر کور شود، و یک دهن از میوه آن (با دندان کندن) سبب آبله یا جوش و درد طاقت فرسا می‌شود. از زمانیکه کاشفان اسپانیایی در قرن ۱۶ میلادی وارد آمریکا شدند به بعد این درخت هراس انگیز شده است.

حقیقت های جالب در مورد درختان

- تقریبا ۲۰۰۰۰ نوع مختلف درخت در جهان وجود دارد. هندوستان دارای یکی از بزرگترین گنجینه های درختان بعد از ایالات متحده می‌باشد.
- هیچ درختی بر اثر سالخوردگی نمی‌میرد. آنها معمولا توسط حشرات، آفات و آدم‌ها از بین می‌روند. درختان کاج بریستلکُن پینز کالیفورنیا و کاج های سرخ چوب غول آسا، قدیمی‌ترین درختان معرفی شده اند و برای زندگی در حدود ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال شناخته شده اند.
- درختان از نوک رشد می‌کنند نه از پایین بر خلاف آنچه تصور می‌شود.
- درختان تخمیناً ۹۰ درصد از مواد غذای خود را از هوا می‌گیرند و فقط ۱۰ درصد را از خاک جذب می‌کنند.
- تقریبا نیمی از وزن چوب خشک کاربن است.
- در بین النهرین باستانی (عراق کنونی)، ارزش چوب برابر با سنگ‌های جواهر و فلزات گرانبها بوده است.
- سیستم پولی روم بر بنیاد نقره بوده که مستلزم مقادیر زیاد چوب برای تبدیل کردن سنگ معدنی به فلز بوده است.
- دوران شناسی و مطالعه قدمت، علم سنجش عمر یک درخت توسط حلقه های آن است.
- حلقه های درخت معلومات دقیقی در مورد رویدادهای محیطی، شامل فوران های آتشفشانی در اختیار ما قرار میدهد.

منبع:

https://www.grow-trees.com/about_trees.php

۲۰۱۶/۰۳/۰۵



نزن، آهای نزن، در این میدان مهر جاریست!

نزن، آهای نزن

مگر نمی بینی

که ما اینجائیم

روی این چمن نرم

زیر این درختان سبز،

این میدان ماست!

جای بازی

جای مهر

جای دوستی

آهای تو که تنها همدمت این تبر است!

میدانی که در این میدان چه خبر است؟

من برایت می‌گویم

گوش هایت را خوب باز کن

در این میدان

مهر جاریست

شور و نشاط و شادی

دوستی

مهربانی

صفا
صمیمیت
پاکی
ما همه با هم دوستیم
من و درخت
درخت و لاله
لاله و نرگس
نرگس و سوسن
و سوسن و یاسمن
و یاسمن و درخت

ما کودکانیم
بشنو،
دود دشمن ماست
سرب دشمن ماست
ما را بگذارید
که در این حلقه تنگِ محاصره دود و دمِ
این عرابه های شما بزرگان
میان اینهمه ستون سنگ و سمنت و آهن
همین چند فیلتر سبز را
سبز داشته باشیم

ما سینه هایمان کوچک است
ریه هایمان نازک
به لطافت برگ گل
این درختان
دوستان ما کودکانند

میدانم
تن ما کوچک است
نام ما کودک است
دستان ما خرد
لیکن
بزرگی فردا را
شکوه آینده را
ما خواهیم ساخت
ما معماران فردای روشنیم
اگر امروز بگذارید
که درست بروئیم
رشد درست امروز ما
تضمین فردای شماست
مزن،
مزن،

که ضربه هایت
نه تنها بر تن درخت
که بر تن حیات است پی هم به تکرار

مزن،
مزن،
که این صدایت تبرت
چو ناقوسی مرگبار
تن نحیف ما را
تن ضعیف ما را
بعد این درختان سبز
ساعت به ساعت
دقیقه به دقیقه
و ثانیه به ثانیه
با سرب و کربن و دیگر ذرات کشنده
به تحلیل می برد
به نقطه پایان
به سراشیب سقوط
به مرگ.

دستت را پائین بیاور
تبرت را بر زمین بگذار
و به حیات
به پاکی
به سلامتی
به شادی
و به شور و شعف ما
به سبزی
به زیبائی
و به هر چه مایهٔ حیات است
احترام کن
و ما نیز به تو.

شاعر: یما حمید

۱۳۹۴/۱۲/۰۷

قلب قوی تر می‌تواند مغز شما را جوان نگه دارد

مترجم: یما حمید ۲۰۱۶/۰۳/۰۱



انتشار: ساعت ۹:۰۰ صبح، ۲۴ فبروری ۲۰۱۶
جولی کورلیس، ویراستار اجرایی، دانش قلب دانشگاه هاروارد

شما احتمالا می‌دانید که تمرینات منظم فوائد زیادی برای بدن شما به ارمغان می‌آورد، مانند دفع اضافه وزن و امراض مزمن مثل بیماری‌های قلبی و دیابت. اما شواهد نشان میدهد که ورزش برای مغز شما نیز مفید است. مطالعه ای که در مجله نیورولوژی (عصب شناسی) منتشر شد توانائی بهتر قلب را به بهتر شدن توانائی‌های فکری افراد مسن پیوند می‌دهد.

این یافته ها به درک ما از چگونگی منفعت رسانی تمرینات به مغز می افزایند، که بنظر می رسد از مکانیسم های ممکن مختلف ناشی شوند. داکتر جان رَیتی، استادیار روانپزشکی بالینی در دانشکده پزشکی هاروارد و نویسندهٔ *جرقه: انقلاب علم جدید ورزش و مغز* می گوید "تنها مسئله فرستادن اکسیژن بیشتر به مغز نیست، اگر چه این بخشی از آن است،" او اظهار می‌دارد که داشتن یک سیستم قلبی عروقی سالم و مناسب در برابر زوال عروقی نیز محافظت می‌کند که در هنگامیکه عروق خونی تغذیه کننده مغز مسدود و یا تنگ می شوند اتفاق می‌افتند و منجر به حافظه و سایر مشکلات شناختی می‌گردند.

داکتر رَیتی می گوید، اما تمرینات ورزشی بعلاوه رشد و بقاء سلول‌های جدید مغز، رشد عروق خونی جدید را نیز در مغز تحریک می کند. مطالعات تصویر برداری از مغز نشان می دهد که ناحیه های کلیدی مسئول تفکر و حافظه مغز در کسانی که ورزش می کنند نسبت به کسانی که ورزش نمی‌کنند بزرگتر هستند.

بدن مناسب، مغز جوان؟

مطالعه جدید شامل ۸۷۷ شخص بزرگسال با اوسط سنی ۶۵ سال بود. برای ارزیابی توانائی قلبی آنها، پژوهشگران معیار اندازه گیری شناخته شده ای چون VO2 max را بکار گرفتند، که بعنوان حداکثر مقدار اکسیژنی که بدن شما هنگامیکه با تمام قوا در حال ورزش هستید می‌تواند استفاده کند تعریف شده است. (حرف V نمایندگی از حجم Volume می کند، معمولا به میلی لیتر اکسیژن به ازای هر کیلوگرام وزن بدن در دقیقه اندازه گیری می‌شود. O2 برای اکسیژن، و max به معنای حداکثر است.) شرکت کنندگان همچنین در تست های گوناگون برای اندازه گیری توانائی های فکری، حافظه، و عملکرد اجرایی شان (یک دسته از مهارت‌های ذهنی مورد استفاده در مدیریت زمان، برنامه ریزی و سازماندهی، و یادآوری جزئیات) اشتراک کردند. هنگامیکه پژوهشگران شرکت کنندگان را بر اساس ارزش های VO2 max شان به چهار گروه تقسیم کردند، آنها دریافتند که تفاوت‌های قابل توجه ای در عملکرد اجرائی بین آنهایی که در بالاترین و پایین ترین سطح قرار دارند وجود دارد. در حقیقت، تفاوت نمرات آزمون به تفاوت سنی هفت سال مطابقت داشت، که آنها تخمین زدند. آنها روندهای مشابه برای هر دو هم حافظه و هم توانائی فکری کلی دیدند، که به ترتیب مربوط به تفاوت های سنی ۶ و ۴ سال بود.

فعال سازی و ارتباط بهتر مغز

در پژوهشی که سال گذشته در *نوروایمیج* منتشر شد، شرکت کنندگان تحت آزمایش MRI قرار گرفتند و تغییراتی را که در اثر واکنش ناحیه ای از مغز که در جریان کارهای گوناگون رخ میداد را ردیابی می‌کرد. پژوهشگران رابطه های قوی بین نواحی مختلف مغز در اشخاصی با سطوح بالاتر از توانائی قلبی ریوی مشاهده کردند. تحقیقات اخیر نیز توانائی سطوح را با فعالیت قسمت قدامی مغز – بخشی از مغز که مسئول عملکرد اجرائی است – مرتبط می‌داند.

رویهمرفته، این یافته ها نشان میدهند که تمرینات ورزشی می توانند برای جوان نگه داشتن مغزتان شما را کمک کنند، یا حداقل سرعت کاهش طبیعی توانائی های فکری مربوط به سن را کند سازند. داکتر رَیتی می‌گوید: رهنمود دولت در مورد فعالیت فیزیکی برای امریکائیان به این منظور بسیار هستند.

برای تمام بزرگسالان، اهداف هفتگی قرار زیر اند:

- دو ساعت و نیم فعالیت های معتدل هوازی، مانند چابک قدم زدن یا یک ساعت و ۱۵ دقیقه فعالیت قدرتی، مانند آهسته دویدن.
- فعالیت های تقویت عضلات دو روز یا بیشتر در هر هفته.

منبع:

http://www.health.harvard.edu/blog/a-stronger-heart-may-keep-your-brain-young-201602249182?utm_source=SilverpopMailing&utm_medium=email&utm_campaign=02.29.2016%20%281%29

یکی از مهمترین موادیکه در رژیم غذایی افراد وجود دارد و به میزان زیاد میتواند در پیشگیری از پوسیدگی دندان ها اثر داشته باشد فلوراید نام دارد. بدلیل اهمیت فلوراید در کاهش میزان پوسیدگی، کشف آنرا یکی از مهمترین اکتشافات تاریخ طب دندان می‌دانند. فلوراید در اکثر غذاها مثل سبزی‌ها، گوشت، غلات، میوه‌ها، غذاهای دریایی و چای وجود دارد.

آگاهی از بهداشت دهان و دندان

نویسنده: یگانه حمید

محصل طب دندان

۱۳۹۴/۱۲/۲۸

اهمیت دندان‌ها

دهان و دندان ها نقش مهمی را انجام می دهند. زیرا در بسیاری از کارها مانند صحبت کردن، خندیدن، چشیدن، بلعیدن و جویدن غذا نقش اساسی به عهده دارند و اولین قسمت سیستم هاضمه محسوب می گردد که از لبها شروع و به حلق ختم می‌شود. اولین گامی که در عمل هضم غذا برداشته می‌شود خرد کردن و جویدن مواد غذایی است که این وظیفه را دندان ها به عهده دارند. البته باید گفت که سه وظیفهٔ اصلی دندان ها، جویدن، تکلم و زیبائی صورت است.

بیماری های دهان و دندان مانند بیماری های دیگر اعضای بدن در طول تاریخ زندگی، باعث آزار بشر بوده است. و انسان ها همیشه به دنبال راه هایی برای خلاصی از این بیماری ها بوده اند. در آثار بدست آمده از مومیایی های مصری یکهزار و پنجصد سال قبل از میلاد دندان های درمان شده‌ای را پیدا کرده اند.

فعالیت ها در مورد طب دندان و پیشگیری از بیماری‌های دهان و دندان در سال‌های آخر قرن نوزدهم آغاز شد. در فاصله سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۵۰ پیشرفت های چشمگیری در عرصه طب دندان در کشورهای پیشرفته صورت گرفت و نقش ویتامین‌های C و D و دیگر عوامل تغذیه‌ای در سالم ماندن دهان و دندان مشخص گردید. و همچنین، تأثیر فلوراید در پیشگیری از بیماری‌های دهان و دندان به اثبات رسید.

بعد از سال ۱۹۵۰ دورهٔ جدیدی در طب دندان تحت عنوان طب دندان اجتماعی یا بعبارتی دیگر دندانپزشکی اجتماعی (Community Dentistry) آغاز شد و صاحبنظران به این نتیجه رسیدند که در پهلوی درمان بیماری های دهان و دندان برای پیشگیری از آنها نیز در جامعه کار صورت پذیرد.

پوسیدگی

بیماریهای دهان و دندان بخصوص پوسیدگی و بیماری‌های پریودنتال (عفونت لثه ها و انساج محافظ دندان‌ها) از جمله شایعترین بیماری‌های مردم دنیا هستند.

تعریف پوسیدگی: اگر پس از خوردن غذا بهداشت دهان و دندان رعایت نشود لایهٔ میکروبی (پلاک میکروبی) بنام پلیکل بر سطوح دندان ها تشکیل می شود که با گذشت زمان میکروب های موجود در این

لایه میکروبی، مواد قندی را به اسید تبدیل می‌کنند. این اسید مینای دندان را حل کرده و پوسیدگی ایجاد می‌شود.

پلاک میکروبی: لایه نرمی است که بی رنگ و چسبنده بوده و متشکل از باکتری‌ها و باقیمانده های مواد غذایی می‌باشد که روی دندان‌ها جمع می‌شوند.

یا بصورت مسلکی تر، پوسیدگی دندان بیماری باکتریایی نسوج کلسیفیه دندان است که از طریق **ملح زدایی (دمینرالیزاسیون)** قسمت های غیر ارگانیک و تخریب مادهٔ ارگانیک دندان مشخص می‌شود.

باکتریولوژی پوسیدگی دندان تاریخچه ای طولانی دارد. در سال ۱۸۸۲ **فیلتر**، تئوری معروف اسیدوژنیک را عنوان کرد. که طبق این تئوری اسید ناشی از متابولیسم میکروارگانیسم های داخل پلاک میکروبی باعث تحلیل و تخریب قسمت های آهکی مینا و عاج دندان می‌شود و در نتیجهٔ آن قسمت های آلی ساختمان دندان نیز تخریب می‌گردد.

در میان تمام مواد غذایی که مصرف می‌شوند کربوهیدرات ها بخصوص قندها در ایجاد پوسیدگی تأثیر بیشتری دارند. و پوسیدگی دندان در کسانیکه از نشاسته یا قند استفاده می‌کنند بیشتر از کسانی است که چربی یا پروتئین مصرف می نمایند. هر قدر تعداد دفعات استفاده از مواد قندی بیشتر باشد احتمال ابتلا به پوسیدگی بیشتر است.

برخی از محققین معتقدند که دندان بد از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. انگیزه و تفکر ارثی بودن پوسیدگی دندان در سال ۱۹۳۴ مطرح شد.

پیشگیری از پوسیدگی

گفته می‌شود که از میان تمام مواد غذایی، پنیر به عنوان یک مادهٔ ضد پوسیدگی مورد بحث قرار گرفته است، طوریکه خوردن پنیر در آخرین مرحله از وعده های غذایی باعث افزایش کلسیم داخل پلاک میکروبی شده و میتواند در کاهش پوسیدگی دندان موثر باشد.

یکی از مهمترین موادیکه در رژیم غذایی افراد وجود دارد و به میزان زیاد میتواند در پیشگیری از پوسیدگی دندانها اثر داشته باشد فلوراید نام دارد. فلوراید نوعی ترکیب کیمیاوی است که در بافت‌های بدن مثل عاج، مینا و استخوان بطور طبیعی وجود دارد. بدلیل اهمیت فلوراید در کاهش میزان پوسیدگی، کشف آنرا یکی از مهمترین اکتشافات تاریخ طب دندان می‌دانند. فلوراید ماده ای است که در بیش از چهل نوع مادهٔ غذایی وجود دارد. و در اکثر غذاها مثل سبزی ها، گوشت، غلات، میوه ها، غذاهای دریایی و چای وجود دارد.

مصرف آب حاوی فلوراید در زمان تکامل دندان‌ها سبب کاهش ابتلا به پوسیدگی می‌گردد و این بخاطر افزایش فلوراید مینا و عاج دندان است. اگر افراد به مدت طولانی از آب آشامیدنی که بیش از حد مجاز فلوراید دارد استفاده نمایند دچار عارضه **فلوئوروزیس دندان (Dental Fluorosis)** میشوند. فلوئوروزیس دندان ضایعات مینای دندان در اثر افزایش مصرف فلوراید بخصوص از طریق آب آشامیدنی است.

پوشاندن شیارهای دندان ها یکی از مهمترین راه های پیشگیری از پوسیدگی در افراد در معرض خطر است.

از عوامل پوسیدگی‌زا بطور کلی موارد زیر یاد می‌شود:

- عدم رعایت و به موقع بهداشت دهان و دندان
- مصرف نامناسب مواد قندی
- مقاومت شخص و دندان

نویسنده: لیدا خروش

۱۳۹۵/۰۱/۰۳

آلودگی هوا

مقدمه

گفته می‌شود از زمانیکه انسان‌ها آتش را شناختند و با آن سر و کار پیدا کردند آلودگی هم بوجود آمد و آلودگی هوا متناسب با پیشرفت‌های بشری زیاد شده است. آلودگی هوا می‌تواند خطرات زیادی را برای انسان‌ها، حیوانات و گیاهان ایجاد کند. طبق آمارهای ارائه شده سالانه به تعداد سه میلیون نفر در جهان در اثر همین آلودگی جان خود را از دست می‌دهند. که بیشترین تلفات بر کشورهای توسعه یافته است. و در بعضی کشورها قربانیان آلودگی هوا بیشتر از تلفات حادثات ترافیکی می‌باشد.

تعریف آلودگی هوا:

وجود یک یا چند آلاینده در غلظت و مدتی که برای زندگی انسان حیوان، یا گیاهان مضر باشد یا به اشیاء و متعلقات انسان آسیب برساند و یا اینکه در راحتی و آسایش انسان اختلال ایجاد شود آلودگی هوا گفته می‌شود.

اهمیت آلودگی هوا:

در کتاب آلودگی هوا که توسط همایون سلحشور فرد (کارشناس بهداشت محیط) تهیه و تنظیم شده است نکتهٔ بسیار با اهمیت و جالبی را در این رابطه خواندم. این مطلب به این قرار است:

"ما روزانه بطور متوسط حدود یک کیلوگرم غذا می‌خوریم، یک و نیم کیلوگرم آب می‌نوشیم و شانزده کیلوگرم هوا تنفس می‌کنیم. بنابراین آلودگی هوا، یازده برابر آلودگی آب و شانزده برابر آلودگی غذا برای انسان خطرناک‌تر است در حالی که به بهداشت آب و غذا بیشتر از بهداشت هوا توجه می‌شود."

بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا

آلودگی هوا می‌تواند بیماری‌هایی از قبیل برونشیت، تنگی نفس، حملات قلبی و آلرژی‌های مختلف تنفسی را ایجاد کند.


الفرار... بازم سیزده بدر شد...
آخ جون یه طبیعت بکر...

روز طبیعت به ما که خیلی خوش می‌گذره، راستی جناب‌عالی خونه ما چی کار می‌کنی؟!
به ما هم همین‌طور... اومدیم سیزده را در کنیم، ضمناً خانمم می‌پرسه عسلهاتون را کجا نگه می‌دارین؟!